



ارگان کمیته خارج از کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سال دوم نیمه اول بهمن ماه ۱۳۶۷

نیرنگ عفو عمومی

تدبیر فقهای جنایتکار برای فرار از مخصصه را با پدافشاه کرده و با تداوم مبارزه دفاعی در خارج برای رهایی زندانیان سیاسی تلاش نمود.

همین دلیل نیازمند صراحت دادن به سمت گیری دیپلماتی خود و لذا پذیرفتن محدودیت‌ها ثنی در این رابطه است، اکنون به فاکتور مهمی تبدیل شده است، از این رو این ملاحظه مهم به لحاظ اتخاذ تاکتیک بر علیه فحایع جمهوری اسلامی با بدهمواره مورد توجه باشد، اگر جمهوری اسلامی دیگر نمی‌تواند نسبت به قضاوت توده‌ها و فشار بین المللی بی‌اعتنا باشد، طبعاً در کسب اول با پذیرش عقب نشینی‌های جزئی سعی در

در صفحه ۲

مدای زباده و از جمله مبارکار... کسری بهره‌ای مثل منتظری نمایش عفو زندانیان را بر صحنه آورده است؟ این اقدام قبل از همه ناشی از فشار توده‌ها، افکار عمومی بین المللی و نیز مجموعه فشارهای بین المللی است که جمهوری اسلامی دیگر نمیتواند مثل گذشته نسبت به آنها بی‌اعتنا باشد، افکار عمومی داخلی برای رژی که "بازسازی" بعد از جنگ را به هر حال باید با رگیری‌های در سطح جامعه و دادن این امتیازات انجام دهد و به

دیدار منتظری با خمینی و گفتگوی طولانی این دو راجعه مسائل مهم سیاسی و روابط با ایداعطربوداد های مهم در عرصه سیاست‌های رژیم جمهوری اسلامی به حساب آورد. این دیدار صفا به این لحاظ دارای اهمیت نیست که منتظری تا حدی از جایگاه‌های یوزبسیون درون حکومت فاطمه گرفته و با به بیان دیگر دوباره به بازی گرفته شده است، بلکه از آن رو که در حصول و خوش همین دیدار است که یکبار دیگر به سوی "عفو زندانیان" مطرح می‌شود. چرا رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی با سرو

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی در صفحه ۲
برای مقابله با کشتار عمومی زندانیان سیاسی زن
و ادا مهادم‌های دسته جمعی در همه زندانها

سنون آزاد

جنبش دمکراتیک واحد: در صفحه ۱۰
واقعیت یا آرزو؟

انگلستان - اعتصاب غذای سه روزه
در صفحه ۸

مصاحبه فیدل کاسترو
با شبکه تلویزیونی NBC
در صفحه ۱۲

نامه‌ای از ایران...
در صفحه ۴

معرفی کتاب

در صفحه ۶

درگیری با خانواده‌ها عدا مشدگان در بندرانزلی

بدنبال قتل عام سراسری زندانیان سیاسی تعداد زیادی از زندانیان سیاسی در بندرانزلی نیز اعدام می‌گردند. در مراسم خاکی‌ها اعدام شده‌ها به سپاه به آنها می‌گویند "با ۳۵ هزار تومان بیا و ریدتا مکان دفن فرزندان را بگیریم". سرانجام پس از زندگی مردم اطلاع پیدا می‌کنند که اعدام شدگان در یک گور جمعی در "کلور" (دهی نزدیک انزلی) به خاک سپرده شده‌اند. در نتیجه خانواده‌ها برای پیدا کردن جنازه‌ها به مکان مذکور می‌روند. سپاه با اطلاع از این امر به آنجا آمده و طی یک درگیری موفق می‌شود خانواده‌ها را متفرق نماید. در این درگیری تعدادی از خانواده‌های زندانیان سیاسی مدموم می‌گردند، از آنروز تعدادی با سسدار مسلح ما مورنگینانی از این گوردستجعی می‌باشند و به هیچ کس اجازه نزدیک شدن به مکان مذکور را نمی‌دهند، مبارزه خانواده‌های زندانیان سیاسی و اعدام شدگان با رژیم در این شهر همچنان ادامه دارد.

آزادی و چهره‌پر فریب مدعیان

کشور ما به مهلکه رژیم‌ها و آزادیخواهان بدل شده است، ارتجاع از یک سو و رزته‌های تنفس را تنگ کرده و از طرفی گازهای اختناق را در سراسر کشور می‌پراکند، هیچ نهاد دوجریانی مستقل از دولت ارتجاع و برخوردار از اندک مشاوری مردم در ایران وجود ندارد، این در حالی است که فقر و بی‌پاره‌گی، بی‌سربندی و بیماری، فقر و فقرانی، و گران‌ترین زندگی را در جنبه خود گرفته است. تنها تدبیر رژیم در این میان عبارت است از جستن راه‌های مناسب برای ساختن و یا خنثی‌سازی با غارتگران امپریالیست و گستردن سرفه‌یغما برای سرمایه‌داران.

تا کی و تا کجا؟ رژیم فقها بهتر از هر کسی می‌داند که تخته‌بندی که بتوانند این غریق منفور را راهی بی‌بخشد، مدت‌ها است که به خاک بفتی بنده نیست، دیگر دشمنان آزادی نیز بر این وقوف دارند، بدین سبب بر سر ترنار فایی مردم همه‌دار و دسته‌های مدافع استبداد و بی‌پاره‌گی و وابستگی از راه روسته سلطنت طلبان تا رجوی درین ماسک آزادیخواهی، برای فریفتن مردم و برای تما حجب تخت و تاج - و با کمک امکانات دیرینه سال مذهب و سلطنت - دندان به هم می‌بندد. لیبرال‌لهیای حقیری که تنها دعویشان، تقسیم قدرت و یگانگی تلاشان، یافتن فعل مشترک اسلامی با رژیم و قانون

در صفحه ۳

علیه اعدام و شکنجه و برای نجات جان زندانیان سیاسی بپا خیزیم!

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی

برای مقابله با کشتار عمومی زندانیان سیاسی زن و ادا مآذم های دسته جمعی در همه زندانها بیا خیزیم!

طبق اطلاعات واصله رژیم جاسکا جمهوری اسلامی در ادا مآذم کشتارهای سیاسی زندانیان سیاسی ایران و بی امانی که در چند ماه اخیر هزاران نفر از زندانیان سیاسی را با وسعت و ددمنشی کم نظیری قتل عام نموده اکنون طرح تسکین را به اصطلاح "با کسری" همه جا به راه درمورد زندانیان سیاسی پیاده است. با آغاز تجدید محاکمه عمومی زنان زندانی، اسرای فهیمان زن را دسته دسته روانه دژکاهایی فرمانی می کنند تا در کشتار جمعی آنها کشته شود.

بر اساس اطلاعات دیگر ولسی گروه بزرگ زنان زندانی صورت دسته جمعی اعدام شده اند. در زمان اعدام شدگان بیرونانی با بیش از ۶۰ سال سن، زنان باردار و دختران بوجوانی برابر با رده که به خودکشی اعدام آمدگان جمهوری اسلامی سرده شده اند.

با کسری عمومی زندانیان سیاسی در زندان های شهرستانها با قتل عامی ددمنشانه همچنان ادا مآذم در زندان شریز ۲۵ نفر، در زندان مراغه ۱۵۰ نفر و گروهی از زندانیان در زندان نما عدا م شده و در زندان دیزل آباد کمره نشاء اعدامها بصورت رورانه در جریان است.

کشت کورهای دسته جمعی شهیدان در محلی، شورآباد، رودبار، کورستان تازه آنا درشت کوشه ها بی از خواهدنگان دهنده و غیر قابل انکار سفاکی هولناک و

جنایات فاشستی آدمکشان رژیم جمهوری اسلامی را قاش ساخته است. کارگران، زحمتکشان و مردم آزادخواه ایران! فریاد اعتراض خود را علیه کشتارهای دسته جمعی زندانیان سیاسی رسات کنید!

با همه نیرو علیه کشتار دسته جمعی زنان زندانی به اعتراض برخیزید! در دفاع از جان زندانیان سیاسی به خانواده های شهیدان زندانیان سیاسی ببینید و به آنان یاری رسانید!

هموطنان آزاده خارج از کشور! با گسترش افشاگری واقعات مشترک خود در اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی و توطئه فاشستی کشتار عمومی زندانیان سیاسی افکار عمومی جهان را علیه این جنایات هولناک بسیج بنا کنید.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی! برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق دبیرخانه کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۲۴ دیماه ۱۳۶۷

از صفحه ۱

نیرنگ عفو عمومی



ما نورادان و اتحادناست قربت می کند. چنین سیاسی در مورد خود بر خود رسد آزادی زندانیان سیاسی نیز اتحاد شده و ما حرای عفو عمومی گنبد سمن است ۲۴ بهمن اعلام شده است را با مدحی از است فوق است. در این اصطلاح عفو عمومی اولاً زندانیان سیاسی و عادی در کسری که آورده شده اند و تا در مورد زندانیان سیاسی شرط اصلی برای عفو شدن ردا اعتقادات "سابق" بصورت اثبات شده است. و این یعنی صراحتاً عفو عمومی در زندانیان و نشاء ردا عفو عمومی زندانیان و ما به جا نگه این روزها این سیاست فاشستی در ابعاد وسیع در زندان زنان با حرا در آمده است. از این رودروانف سیاست با اصطلاح عفو سیاسی سرکوب کزدند بی راد معرفی فشار برای دست بستن از اعتقادات و شرف انسانی خود برار داده، تقاضای ندادند، اگر سراسیمه سیاست مخفی کاربایی جدید جمهوری اسلامی در باره زندانیان را اضا فک کنیم، آنکاه با بدکمت گد سیاست کشتار زندانیان سیاسی همراه با بازی عفو ادا مآذم است و خواهد است. نقش منتظری نیز در این مآذمها بیت سیاست فریب است. امری که با رسوا بودن این مآذم حکومتی از هم اکنون محکوم به شکست است.

با توجه به ملاحظات فوق ما بیاست همچنان ضمن ادا مآذم حرکات اعتراضی خود کدنا شیرات مهم خود را تا کنون در عقب راندن رژیم پروزدا ده و با فشاری برخواست دیدار هیئت بین المللی از زندانیان، در مورد افشای ترند جدید عفو عمومی و ویژه در مورد همرا بودن آن با سیاست کشتار دست به افشاگری برزیم. تداوم حرکات اعتراضی و بیگیری شعار آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی با سخ ما بدت سیر جدید حکومت فقیاست.

با پیام کارگر همکاری کنید!

نائبان ما موزندان!

مدت درازی است که نقطه نظرات منتظری در مورد "سیاسی فقیه حکومت اسلامی" در کیان به چاپ می رسد. نائبان ما! در این بحثها در زمینه "احکام و آداب زندانیان" می گوید "از آنجا که مساله زندانیان در قوانین غیر اسلامی رایج در کشورهای دنیای کنونی خود یکی از مشکلات عصر حاضر شده تا جایی که گاه هی از وجود آن نسبت به اساس حکومتها و نظامها احساس خطر می شود لذا لازم است در باره شیوه های که موجب کاهش تعداد زندانیان و زندانیان می گردد مطالعه شود... (کیان ۴ دیماه ۶۷).

جمهوری اسلامی در پی این "احساس خطر" بود که با "شیوه های جدید قتل عام" موجب کاهش تعداد زندانیان "سیاسی گردید و کمر همت به نابودیشان بست.

منتظری در ادا مآذم بحثها پیش می نویسد "زنی که مرتد شود و کشته نمی شود، بلکه کارهای دشوار به او واگذار می گردد و در خوردنیها و آشامیدنیها بیش از نیاز اولیه در اختیارش قرار داده نمی شود و لباس زیر پوشاننده می شود و به هنگام هر نماز به او جنس تازه ای می دهند" (کیان ۱۰ دی). و با این حساب جیره شلاق روزانه و کورسته نگه داشتن زندانی نیز کلاه شرعی پیدا می کند و طبیعی است که اگر "مرتد" در عقیده اش ثابت قدم باشد "لبته از او خواسته می شود که از این کار توبه کند، اگر توبه نکند آزاد

آزادی و چهره پرفریب مدعیان

ناشب اما موزندان!

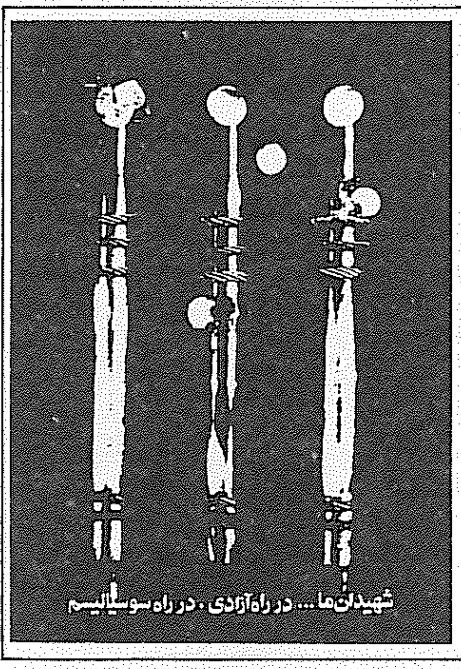
است و اگر توبه نکند تا ابد در زندان نگاه داشته می شود و در زندان نیز با بدبویا و سختگیری کنند (کیهان هادی) حال میزان این سختگیری چقدر با خدشه عطن حیوانی حاکم شرع وابسته است. ناشب اما مدر این زمینه آنجا می رسد که حتی غلام می دارد "گامی نیز می توان کودکان، دیوانگان و حتی چهارپایان را تا دلب کرده هر چند که این تا دلب شنبه زندانی کردن باشد" (کیهان ۲۹ آذر) ما این حساب باسد به چهارپایان دل سوزاننده بعد از زندان و سردان و کودکان و دیوانگان نوبت آنان خواهد رسید و طناب دار و جوخه اندام در انتظار آنان است. منتظری در این رساله اش به این نکته می تازد که قبل از اسلام زندان وجود نداشته است و حضرت علی نخستین کسی است که در اسلام زندان ساخت. خنده دار آنجا است که ولی فقیه مدعی است مجبوراً ختن زندانیان به انجام مصاحبه تلویزیونی به سبکی که در روزگار ما رایج است از نظر شرعی حرام است" (کیهان هادی)، لابد این تزیین و تزیینات دور و بر بیای خودوی را شامل می گردند که خشم "رهبر آینده" را برانگیخته است.

منتشر شده است



شهیدان ما... در راه آزادی، در راه سوسیالیسم

آلبوم شهیدان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)



شهیدان ما... در راه آزادی، در راه سوسیالیسم

"الایعقل" تشخیص داده می شوند که با بدتحت قیومیت مثنی جانی "عقل" و "مدیر" به کودالهای نیستی و استبداد دروازه شوند. اگر در فقه خمینی، ولایت از آن فقیه است، در فقه رجوی، حکومت به "مسئول اول" تعلق می گیرد! در همین جا و با توجه به احتمال نقض آفرینی جناح های مقهور یا قاهر رژیم در سناریوی نیرنگ و فریب، با بدبویا و رگمی و آزادی ستیزی هر یک از اینان تا کید و زبرد.

لبیرالهای مانده در داخل و گریخته به خارج اگر چه سنگ دمگراسی را به سینه می زنند، ولی فقط روبه صفی خود را به نمایش می گذارند. این جماعت زمانی می توانند به موفقیت خود در عوا مفریبی مطمئن باشند، که خاطر هر کوب خلقی قهرمان کرده و ترکمن و عرب و توسل شان به قانون اساسی اسلامی و فقیه ساخته که اینان مجریان آن بوده اند، از دهان بیاک شود!

خمینی رفتنی است هما گونه که شاه گور به گور شد. اما رفتن کافی نیست، راه هر گونه ساز آمدن اینان - در هر چیزه و جا به و شکاری - باید مسدود شود. و این حقیقت زمانی به عمل خواهد پیوست که کارگران و زحمتکشان شهروند با انکاء به راه خویش برسروش خویشن حاکم شوند. زمانی که اطمینان حاصل کنند آزادی و عدالت از طرف مدعیان دروغین به آنان "تحفه" داده نمی شود.

بدیهی است که کوفتن بر طبل شعار رهسای انقلابی، چاره کار رهنروهای کمونیست، دمکرات و انقلابی نیست. باید در عمل طبقه رزمنده کارگر و توان لایزال او را سازمان داد، به آن باور داشت، آنرا به آرمانهای مطلوبشان آگاه و مجهز ساخت، باید آنچنان کارزاری بیداد آورده که همه رنجبران با و رجا مل کنند که نه فقط سوسیالیسم، بلکه دمکراسی نیز بدون رهبری طبقه کارگر، دوام نخواهد آورد. نه تنها مبارزه با دیکتاتور، نه تنها مبارزه متحد نیروهای انقلابی دوشادوش زحمتکشان، بلکه مبارزه ای قاطع با رژیم حاکم - توأم با انشاء بیامان و برداشته بردشمنان آزادی ورهایسی با استفاده از حتی جزئی ترین امکانات و روزنه های می تواند آینده ای امیدبخش را متصور سازد.

اساسی متحجر است، بکینه آزادخواه شده است. آنانیکه بیای ترین راه اعمال قدرت مردم یعنی شوراها را با عیاراتی چون "شورای بی شورا" به با دمسخرمی گرفتند، چنان از "آزادی" سخن می گویند که ابلیس هم در آلودن این کلمه مقدس از اینان بی مانده است. و با لخره هستند فرمت طلبانی که هنوز با رخنایت های گذشته شان خلاصی نیافته اند. آواز زه گران استجانه دمکراتیک رژیم اسلامی پیوسته اند.

جالب آنکه، خدا انقلابیون و همگامه های سرما به داران به دور بسما ن آویخته اند: سلطنت و مذهب، آنکه سعی می کنند ایندورا که خوشختانه تاریخ طشت رسوایی شان را از ما فکنده، با آزادی، هم سرشت جلوه دهند: آب را با آتش، شب را با روز، و زندان را با زندانی همسان معرفی می کنند!

برای افشاء سالوسی و نیرنگ بازی این دستجات، راه درازی نمی رویم. لحظه ای درنگ در همین موضوع زندانیان سیاسی کافیست تا بیاد آوریم که بسیاری از اسیران دلاور کثونی ابتدا طعم شکنجه و زندان را در زندانهای شاهنشاهی چشیده اند. رژیم شاه بر حسب ضرورت حفظ نظام غارتگرانه و آزادی کش خود، سرانگشتان اسرا را قطع می کرد و جلاد جماران، با زوانش ترا، آن دیو، جان های شریف بسیاری را خشکاند و این ذذ، زندگی بر افتخار شما ریشتری از مبارزان رایسه خون می کشید.

هیچ شما دو حزب مستقل در دوره سلطنت حق فعالیت نداشت، در رژیم اسلامی نیز نداشت، گودال فقر و فلاکت مردم را شاه حفرت کرد، فقها آنرا عمیق تر کرده اند...

چه آنها که سلطنت را، نیا ز "میین و وحسدت ملی" می نمایانند و چه آنها که با ورم مذهبی توده های را به میله که حیا تشان مبدل کرده اند، در یک نقطه اصلی - و البته در هزاران جای دیگر - به هم می پیوندند: دشمنی با آزادی و سرکوب آزادیخواهان. حواریون تاج، شاه را "ظلاله" می نامیدند و نتیجتاً بری از هر گناه، مستحق تهمین گیری فردی درباره مردم وینام "مردم" و او هم بدرستی، یعنی با بر وار کردن مثنی مفتخوار و آویختن مداخل به سینه زنیالها و افزودن بر فقر و بی حقوقی مردم، "ظلاله" بودن خود را ثابت کند.

امت عمامه نیز چون حواریون تاج، رهبر و فقیرا "آیت الله" و "ولی امر" و بدنبال آن، کسی می داند که مستحق معامله کردن آبروی مردم و بی آبرویی خود با خداست. در هر دو دسته، تنها مردم

سرنگون باد جمهوری اسلامی!
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

نامه‌ای از ایران ...

پای سخن مردم

بدنبال اعلام‌سازی برخی از شهادهای مجاهدین از راه دیومجاهد که در عملیات احقاق نه و ما جرایم جویانه اخیر شهیدشدن نشانیات فدویقیض گذشته مبنی بر کشته شدن سران تا حدودی از طرف خودشان نیز تا شیدد که این امر به دلگیری و تشویش بیش از پیش در میان خانواده‌های مجاهدان و سیروفراری‌ها من زده بطوریکه غالباً امید برای دیدار مجدد فرزندان شان را از دست داده و با تنفر خاصی از عملکرد رهبری سخن میگویند و ما حبه‌های تلویزیونی دستگیر شدگان عملیات فروغ ناپایدار، در تنفر کرا خانواده‌ها و تقریباً عموم مردم کمالاً موجه جلوه کرده است! یعنی برخلاف گذشته که وقتی افرادنا دم‌ش به ذلت مباحبه داده و پشت تلویزیون می آمدند و عمدتاً از جانب غالب مردم خصوصاً خانواده‌های مجاهدین و مبارزین اسیر، خائن و ست عنصرنا میده می شدند، اینبار جملگی عمیقاً برای آنها اظهار تاسف کرده و دقیقاً بر این باورند که با زیجه دست رجوی شده اند، و هرگز کلمه، خائن را در مورد آنان بکار نمی برند! پدر یک نوجوان ۱۶ ساله، مجاهد زندانی (که البته طبق گفته‌ی در حال حاضر فرزندش با گذشت ۷ سال ۲۳ ساله شده است) میگفت زمانی بود که خود من نیز شدیداً هوادار مجاهدین بودم و در محل کار روزندگیم سعی در اثنا عافکار آنها داشتم، اما از روزی که فرزند ۱۶ ساله‌ام در سال ۶۰ مسلح بخانه آمد و در مدرسه را رها کرد و دو هفته بعد از آن دستگیر شد فهمیدم که دل به چه سراسی بسته بودم، بمرم در زندان مدتها قراول لاجوردی بود و همه جا هم دوش وی (بطوریکه ما فکر میکردیم همین امروز فردا آزادش میکنند) ما تا امروز علیرغم ندانمتش در زندان است و حال است عصبی شدیدی پیدا کرده‌ی ادا ما می‌داند من اکنون باین نتیجه رسیده‌ام که اگر بپرسم تنها طرف یکماه از رجوی به لاجوردی گرا شیدخائن نبوده و نتیجتاً هما نظوریکه این افرادی که دیشب مصاحبه میکردند خائن نیستند بلکه این خط انحرافی و خیانت پیشه رهبران آنهاست که بچه‌های خردسال و جوانان مردم را بدون داشتن پختوانه فکری لازم به میدان می فرستند یعنی بین عملکرد رجوی و خمینی هیچ فرقی نیست و هر دو به فریب و ساداندیشی جوانان تکیه کرده اند، ما در یک مجاهدان سیر که دخترش ۱۵ سال حبس گرفته بود با اندوه و درجا ننگا هی از بیم ریختگی زندگیش صحبت میکردوی در بیان هر جمله اش می گفت روز و شب به درگاه خدا این دور رهبر را لعنت و نفرین می کنم هم خمینی و هم رجوی رو که هر کدوم به نحوی موجب بدبختی و فلاکت این مردم‌شن! یک بسیجی فعال که شوهر خواهرش یکی از فرماندهان سپاه است در مورد عدم انتخاب رفیق دوست وزیر سپاه میگفت: خوب شده که این دهنه وزیر نشند و الا خیلی از فرماندهان سپاه که از زبان تباری ها او خسته شده اند می خواستند استعفا بدن و همچنین از دزدی ها و رشوه خواریهایی که در خرید جنگ افزارهای خارجی

در عرض این چند سال صورت گرفته خیلی ها وزارت سپاه خود شون روحا بی بستندا ما فرماندهان صادق و دل سوزا ز این وضع ذله هستندا که حرفهای اما م نبود خیلی ها تا حالا استعفا میدادندا ما پیام اما م بعنا سبت سبنا رساری فرما شده ان مانع اینکار شدوی ادا نه میدا دکه رفیق دوست در برابر خواست به عده مجلسی ها ۱۴ برای ادغام وزارت سپاه در وزارت دفاع هیچگونه عکس العملی نشون نداد در حالیکه محسن رضائی شدیداً مخالف این موضوعه و همینطور وزیر جدیدی میگفت انشا الله با میدخدا این وزیر طرفدارهای دزد و بیسازاری مسلک رفیق دوست روا ز تو روا رخنه تصفیه خواهد کرد.

آمدند و گشتند و سوختند

در اسنا تندبا دحوادث همچنان میوزد، سیرین مفا خربشرت را دارنده انید! می کنند، بقول خواجه "چنان به مردمنا دان دهدز ما مراد!" همه جا ما تمکده است، دیگر کسی باقی نمانده که بشود به آسوده اش دل خوش بود، از بچه‌هایی که می‌شناختی هم را اعدام کرده اند، برادران سیری و همچنین فرزندان سیری از آلمان مستضعفین، فرقانیان اهل قازان که سالها در بندر عباس در تارنکخانه بود و همچنین در کرمان و این اوا خرد درشت، اسلامی اربچه‌های "اسیلا" (اوروستا های انزلی) و حجت هوشمند خمیران از مجاهدین، فرید هندیجانی و سرخاله اش از بچه‌های جنگ زده جنوب و جعفر هوشمند، بدون داشتن هیچ موضع گزهی، احمد موسوی معارف از مسئولین اقلیت در گیلان، تیمور راوندی و همولایتی اش در بستان و هوشنگ قربان، بزاد از توده ایی که در گورهدشت اعدام شدند، بوسیدن طناب دار راه درازی است، سرد راه می‌خواهد که هر کسی را توان آن نیست، آنچه گفتم فقط تعداد کمی بود که من می‌شناختم، افراد بسیاری هستند که اعدام شده اند، عموماً به خانه اعدام شدگان حمله ور شده اند که مرا سندا شنه با شد، درگیریهایی در این مراسمها شده و این اوا خرمجور شده اند که ما موری به عنوان ناظر بنگارند، در تنهبران و اصفیان و همدان و انزلی درگیریهایی پیش آمده، هفته گذشته جلوی نخست وزیری تظاهرات وسیعی صورت گرفتند و تعدادی از افراد خانواده‌ها دستگیر شده و تعدادی مصروب کشته اند، عموماً جنازه بچه‌ها شان را می‌خواهند، آنها را سر می‌دوانند به بعضی ها گفته اند بنحوا هزار تومان بدهند جنازه تحویل بگیرند در بعضی شهرها هم می‌بینجرا رتومان می خواهند ولی تا حال جنازه‌ای تحویل نداده اند... کوپا فرمهایی به زندانها نداده بودند که موقع خودشان را مشخص کنند و در عین حال وصیت نامه بسوبسند و ما جرایمنا انجا آغاز شده... بعضی از آخوندها را نیز گرفته اند البته نه اینکه موقع مردمی داشته باشند، عموماً از جناح‌های مختلف می‌باشند... (به نقل از یک نامه از ایران)

وضعیت دا رودر جمهوری اسلامی

● در ارتباط با کمیودا روروزنا مه کنیا ۱۹ دی ماه ۶۷ رپرتاژی درج نموده که نشانگر مختصری است از وضعیت دا رودر ایران، در این گزارش از جمله آمده است: کمیودا رودر جا معه، کم کم شکل خاد خود می‌گیرد و می‌رود تا برای مردم به یک مشکل لاینحل تبدیل شود، علم پزشکی در عرصه ضربک پای درمان را "دارو" می‌داند که این "پای" درمان فطرا با نبودش در دا روخا نه‌ها، عملاً عرصه را بر کسانیکه نسخه دردست دارند، تنگ کرده است، بیماران بر اثر این کمیودا چارندیس از چند روز سردرگمی و رفتن از این دا روخا نه به آن دا روخا نه، بالآخره سراننا صرخسرو (مرکز توزیع داروهای کمسأب و اجتنکار شده) در آوردند و برای نمونه یک آمبول سه تومانی را بیش از سی تومان خریداری کنند. در حال حاضر قفسه‌ها کثردا روخا نه‌های شهرتیرا، خالی از دارو است... و بیماران جا راست که برای پیدا کردن دارو به خیابان نا صرخسرو مرا جبهه‌کنند و با چند برابر قیمت دا روی مورد نیاز را تهیه‌نما بد.

گزارشگر بدنبال گفتگوبا چند دنیا زمنددا رو به سراغ یکی از پزشکان می‌رود تا علت را جویا بگردد، پزشک می‌گوید "در حال حاضر داروهای فطلسی (زمستانه) مثل آنتی بیوتیک، شربت و غیره به ندرت پیدا می‌شود... کمیودا رو به دا روخا نه بیماراننا حتی درمان نگاه‌های دولتی نیز کشیده شده است و در این قبیل دا روخا نه‌ها در بعضی مواقع حتی آسیرین هم که یک مسکن سرما خوردگی است پیدا نمی‌شود...".

جالب اینجاست که پیدا شیم دا روا طریق دولت وارد کشور می‌گردند و آنچه در این زمینه در داخل کشور تولید می‌گردد با کنترل دستگاه‌های دولتی توزیع می‌شود "حال این دا رودر با آرا دا زده طریقسی وارد بازار می‌شود، خود معما بی است" که ریشه در ما هست رژیم دا رد.

تصحیح و پیوزش

درج مصاحبه با تما بیندگان میرشیلی در پیام کارگر شماره ۳۵ همراه با اشتباهاتی بود که بدینوسیله ضمن پیوزش از خوانندگان آنرا تصحیح می‌کنیم:

۱- ستون اول و سیمی از ستون دوم تکراری است.

۲- سؤال آخر بدین نحو تصحیح می‌شود: "شما همیشه مسلخ هما هنگی و وحدت چپ انقلابی در آمریکا لانتین بوده‌اید، اقدامات شما تا کنون چه نتیجه‌ای داشته است و بیامتان به نیروهای انقلابی ایرانی چیست؟"

منتشر شده است
طرح جدید اساسنامه

کوس رسوائی،

حاصل "نهضت سوادآموزی"

● رژیم ضد فرهنگ و دانش فقها سالهاست که در سیور تبلیغاتی خویش می‌مدکد؛ بیسوادی در حال ریشه‌کن شدن است، این هاپیوی رژیم در شرایطی انجام می‌گیرد که هر ساله نه تنها از تعداد بیسوادان کاسته نمی‌شود، بلکه صدها هزار نفر بیسواد آن افزوده می‌گردد. بنا بر اظهارات مسئولین رژیم "در حال حاضر در ۲۰ هزار روستای کشور ایجاد مدرسه‌ها ملا ضروری است و اگر سببی برای حل این مشکل صورت نگیرد هر ساله حداقل ۵۰ هزار فرد واجبات‌التعلیم به تعداد بیسوادان کشور افزوده خواهد شد" (به نقل از قرآشتی - نماینده خمینی در نهضت سوادآموزی - کیهان ۱۴ دی ۶۷). وی همچنین تاکید کرده که "در حال حاضر بنا بر آمارگیری انجام شده در ایران ۱۴ میلیون بیسواد وجود دارد و به خاطر نبودن امکانات آموزشی یک میلیون کودک واجب‌التعلیم در پشت درب مدارس منتظر فرصتی برای راه‌یابی به مدرسه هستند" (منبع فوق). چند روز بعد از اعترافات قرآشتی، محسن میرزایی معاون نهضت سوادآموزی کشور اعتراف کرده که "در برخی از روستاهای آموزشی و پرورش هنوز با زندگی "و" آمار نشان می‌دهد که ۵۰ درصد جمعیت فعال کشور بیسواد است" و همچنین اعلام نمود که "یک میلیون و ۸۰۰ هزار نفر کودکان از تعلیم در سطح کشور هنوز موفق نشده‌اند به کلاسهای آموزش و پرورش راه‌یابند. بخش عمده این عده را کودکان روستایی تشکیل می‌دهد." (کیهان ۱۵ دی ۶۷) بدینوسیله بیان دیگری از ورشکستگی رژیم در امر آموزش و پرورش عیان می‌گردد. دشمنی رژیم فقها با آگاهی و علم ریشه‌های اصلی این عقب ماندگی هولناک در امر مبارزه با بیسوادی است. برای ریشه‌کن کردن بیسوادی، باید رژیم جمهوری اسلامی را ریشه‌کن کرد!

عضو شورای عالی قضائی هم

دزدان زآب درآمد

● در جریان بر ملا شدن دزدیهای کلان در کاخ‌ها، تالیف کتب و زنگه‌ها متوجه دستگیری مدیرعامل و تعدادی از کارمندان آن کارخانه گردید؛ معلوم گردید که شخصی به نام مصدق، مسئول دبیرخانه شورای عالی قضائی با این اشخاص در ارتباط بوده و مالهاست او و نیز به مردودی که دیگر جزو تفکیک، تا پذیرش رژیم فقهاست مسئول بوده است. رژیم ماها کوشید تا مسئله را مکتوم نگه دارد ولی سرانجام در اثر افشا شدن آن اعلام نمود که هیأتی برای پیگیری مسئله تعیین گردیده است ولی هنوز گذشت چند ماه از این جریان، از نتیجه آن خبری نیست و سرانجام معلوم

گسترش اعتصابات دانشجویی

● هما نظریه که در چند شماره اخیر "پيام‌کارگر" آورده‌ایم، موج اعتصابات دانشجویی در ایران در حال گسترش است. بدینال اعتصابات دانشجویان در دانشگاه شیراز، تبریز، ارومیه، تبریز، و... دانشجویان دوره بالینی دانشگاه علوم پزشکی ایران نیز اعلام اعتصاب نمودند. دانشجویان علت امر را "اعتراض به پاره‌ای از مسائل آموزشی و اجرایی و نحوه مدیریت" اعلام نمودند. وسعت این اعتراض به آن اندازه بود که خبر آن در مطبوعات رژیم نیز با زتاب یافت. روزنامه کیهان ۴ دی ۶۷ علل اعتصاب را به نقل از دانشجویان چنین مطرح کرده است: "به آموزش پزشکی فاقدر بنا می‌ریزی مشخصی است و فقط سیاستها برای متحرکز است که تعداد دانشجویان زیاد شود بدون اینکه به تعداد استادان و اعضاء هیات علمی افزوده شود. فضای آموزشی گسترش یابد، امکانات آموزشی جدید تری فراهم‌شود اما دانشجویی در اختیار دانشجویان گذارده شود."

در ادامه بحث دانشجویان با اشاره به کمبود بیمارستان برای کارهای تجربی آنان مطرح کردند که "۳۰۰۰ در بدو تاسیس این دانشگاه تنها ۸۰۰ دانشجویی پذیرفته شد، در حالی که در سال ۶۷، ۷۵۰۰ نفر دانشجویی پذیرفته شده است و معلوم است با کثرت دانشجویان، آینده علم پزشکی با امکانات محدود و استادان انگشت شمار و بیمارستانهای قلیل، تا چه حد تیره و مبهم خواهد بود.

۴- در اثر بی‌کفایتی بعضی از مدیران، دانشجویان پزشکی هر روز شاهد صحنه‌های تاسف‌باری در بیمارستان‌ها هستند از جمله دیده می‌شود که در بعضی بیمارستانها متخصصان و پزشکان بالای سر مریض حضور ندارند و نترن‌ها که نمی‌دانند چه کار کنند فقط شاگردان کندن بیمار هستند. دانشجویان در ادامه بحث به فرار استادان از محیط دانشگاه اشاره کرده، اعلام نمودند که "یکسال و نیم است که کمک هزینه دانشجویی به دانشجویان پرداخت نشده است."

در همین راستاست که روزنامه‌ها خیرا خود سوزی یک دانشجوی دانشگاه تهران، در اعتراض به وضع موجود منتشر کرده‌اند. با اخباری که از دانشگاه‌ها می‌رسد، انتظار می‌رود که در آینده‌ای نزدیک رژیم فقها با گسترش روزافزون جنبش دانشجویی مواجه خواهد گردید.

نگردید که با این شخص صاحب مقام در عالیترین نهاد قانونگذاری کشور چه معامله‌ای صورت گرفته است؟ و صد البته نای بی‌گیری مساله وجود ندارد، چون حکم‌شود که مست‌گیرند، در شهرها تکه هست گیرند!

دمکراسی به سبک فقها

● همزمان با قتل عام زندانیان سیاسی در ایران، رژیم اعلام نموده است که قانون احزاب طبق آن احزاب و سازمانهای سیاسی حق فعالیت خواهند داشت. رای‌ها را خواهد گذاشت و مشق قب آن مطرح ساخت که تمام متقاضیان با بدست نام به عمل آورند.

حال بنیم تفسیر فقها از این آزادی احزاب چیست. موسوی لاری عضو هیات رئیسه مجلس رژیم و معاون وزیر کشور در این مورد که احزاب ما رکیست چگونه فعالیت خواهند داشت گفت: "با فراند می‌کنند که بعد از پیروزی انقلاب به عمل آمد ۹۸ درصد مردم به حاکمیت اندیشه اسلامی بسیر خواهند گشتند. حالا اگر فرد یا افرادی در مقام معارضه با اصولی که مردم پذیرفته‌اند تدریسند عقل سلیم حکم می‌کند که آنها جایی در جامعه نمی‌توانند داشته باشند. احزاب دارای اندیشه و افکار ما رکیستی با غیر خدایی در همان گام اول و شرط اول که اعتقاد بدین قانون اساسی یا فعالیت در چارچوب قانون اساسی است در می‌مانند... اگر اینطور تصور شود که آنها دفتر دستکی داشته باشند تا با قانون اساسی معارضه کنند طبیعتاً جایی برای آنان نیست. روشن است که در ایران فقها نه تنها رکیست‌های انقلابی و نه هیچ دمکرات‌انقلابی اجازه فعالیت نخواهند داشت. البته برای ما که هیچ توهمی را به درستی پرورانیم و نه در جامعه می‌پراکنیم، مساله روشن است. ما گویا برخی بی‌کتاب شنیده‌اند، به اینها می‌گوئیم: آقایان! خرداغ می‌کنند.

کارخانه پیژودر ایران

● جنیدی بیش اعلام شد که بین کارخانه پیژودر ایران و ایران خودرو یک قرارداد ۱/۵ میلیارد دلاری امضاء شده است. سخنگوی پیژودر این رابطه گفت: "تولیداتومیلیهای پیژودر ۴۰۵۰۰ از اول سال ۶۸ تا ۶۹ هزار دستگاه در ایران آغاز می‌گردد و در سالهای آخیره ۱۰۰ هزار دستگاه می‌رسد و در پایان ۱۰ سال مجموعاً قطعات ۵۰۰ هزار دستگاه اتومبیل پیژودر مدل ۴۰۵ به ایران صادر می‌شود... در سالهای اول این قرارداد ۱۵-۱۰ درصد اتومبیل پیژودر ایران ساخته می‌شود. این مقدار در سالهای آخیره ۸۰ درصد تولید در ایران خواهد رسید. لازم به ذکر است که ده سال پیش پیژودر کارخانه تالسوت انگلستان را خریداری کرده بود و در سال گذشته تصمیم گرفت خط تولید پیژودر را در این کارخانه‌ها اندازی کند. بدینال این تصمیم دولت ایران ماشین آلات کارخانه تالسوت را خریداری نمود، هم‌اکنون کارخانه پیژودر موتورهای بیگان را که قبلاً تالسوت تهیه می‌کرد تولید می‌نماید. در همین رابطه سخنگوی پیژودر اعلام داشت که تا ۶ سال آینده نیز کارخانه پیژودر به این کار ادامه خواهد داد و بعد از این مدت تالیفات اتومبیل‌های بیگان از دور خارج می‌شود و جای آنها را پیژودر ۴۰۵ خواهد گرفت."

معرفی کتاب

مجموعه شعر "اگر که باید تبعیدم کنی"، پنجاه و هفت شعر از سرودمهای "پریش ناندی"، شاعر انگلیسی زبان هند را شامل میشود که توسط "م. پیوند" در ۱۵۵ صفحه به فارسی برگردانده شده است. پنجاه و هفت شعر از سرودمهای گزین شده شش سال (۱۹۶۷ تا ۱۹۷۳) زندگی هنری شاعری که تاکنون در ایران و در جامعه شعر و ادب کشور ما شناخته نشده و برخی از جوانب شعرش توانمندی کهنظیر و ویژگی منحصر بفردی را ناراست، بررسی گسترده و ژرفی را میطلبد که در این معرفی کوتاه امکان پذیر نیست. اما میتوان - در همین محدوده - بر عمومی ترین مشخصه های شعر "ناندی" مکت کوتاهی کرد.

با توجُّح مجموعه شعر "اگر که باید تبعیدم کنی"، این حقیقت، پیش از همه، خود می نمایاند که شعر "ناندی"، شعر امروز هند است با ریشمهای سترگ در فرهنگ دیرینه سال و غنی مردم هند؛ و نیز جایگاه ویژه ای در عرصه شعر امروز جهان داراست. شعر امروز هند است با ریشمهای سترگ در فرهنگ کهن این جامعه؛ از این نظر که گرچه شاعر، جوانب پوسیده و اوام مذهب این فرهنگ و سنن را به شکل گسترده و گزندی رسوا میکند و پلشتی و پلیدی چهره آن را می نمایاند، اما در عین حال غنای استعارها و ایمازهایش را از همین فرهنگ و همین سنن کسب کرده و ریشمهای شاعر، بقول خود وی از این "روسایها" است که "خون میکشد" و بارور میشود! این پیوند و ریشمهای شعر "ناندی" در فرهنگ مردم هند اما باعث نمی شود که شوریدگی و عصیان شاعر را پوشیده بدارد. شوریدگی این برجسته ترین خصوصیت "ناندی" که دروازه واژه شعرش سربرمیگردد، نه فقط شوریدگی هنرمندان، یک شاعر در برابر قوالب و قراردادهای متعارف و سنتی محیسط اجتماعی اوست، که علاوه بر این، شوریدگی یک انسان عصیانی و پرتب و تاب علیه کلیه مظاهر وحشی ریشمهای فرهنگ و سنن پوشیده کشوری است که وی "عشق و غرور و شرم پنهان" خویش را از آن گرفته و در "شهر تاریک" و در همین "کشوری که فقط بوی خورش برای او آشناست و با سکوتش باید آشنا شود" و در برابرکسانی که "ناندی" درباره آنها میگوید: "درچهره هاشان که دیو خانه کرده است کشورم را ندیم"، این عشق و غرور و شرم پنهان را برورده است! "م. پیوند" در مقدمه کتاب، بخوبی این نکته را با ذکر قطعاتی از شعر "ناندی" توضیح میدهد؛ آنجا که قطعه "خون، کشوری ست که تو و من به عبت دوستش نداشتیم" را در کار "آی شهر تاریک! هرگز از تو جدا نخواهم شد" ذکر کرده و عصیان و خشم و بیزاری شاعر را که همواره با عشق و عینق به محیط اجتماعی و مردمش همراه است، نمایان کرده است.

و نیز جایگاه ویژه ای در عرصه شعر امروز جهان داراست؛ از این نظر که گرچه تعداد زیادی نیستند از میان شاعران کشورهای دیگر که اشعارشان به فارسی برگردانده شده و در ایران شناخته شده باشند، اما در میان همین محدود شاعران بزرگ جهان که شناسای مایند میتوان دریافت که شعر "ناندی" جای خود را در میان آنها باز کرده و به ویژگیهای برجسته و مہمی هم در این میان دست یافته است. صرف نظر از تشریح مقایسه ای شعر "ناندی" در این عرصه، به سادترین و مختصرترین بیان میتوان گفت که شعر هرشاعری اگر

بتواند با سایر ملل پیوند برقرار کند و مخاطبینی در میان سایر ملل برای خود بیابد، طبعاً شعری است که مرزهای ملی را درنور دیده است. با خواندن همین یک مجموعه شعری که از "ناندی" به فارسی ترجمه شده نیز، این واقعیت آشکار میشود که گرچه فرهنگ جامعه ایرانی با فرهنگ و تاریخ هند، هیچ قرابتی ندارد اما شعر "ناندی" - که بدون فرهنگ و تاریخ جامعاتی، معنائی ندارد - در ذهن ما می نشیند و احساس و تخیل خواننده ایرانی را به جنب و جوش وامیبارد. این چیزی نیست جز توانمندی شاعری که با وجود ریشمهای کهن در فرهنگ و تاریخ و سنن ویژه جامعاتش، بر بال واژهها مرزهای کشورش را درنور دیده و با سایر ملل، پیوندهائی برقرار کرده است.

"نگاه ویژه و ژرف ناندی به فرهنگ و سنن هند"، زبان او را سرشار از استعارهائی کرده که در واقع شالونه فرهنگ و سنن را میسازد. زبانی که به همه اشیا و همه موجودات، جان میدهد و از آنها یا با آنها سخن میگوید (نشانه ای از فیتیشیسم؟). تعبیرات زیبایش از صلح: "صلح، سپید و نرم به پستان های ستارگان مانندست ... صلح، بازگوش کلامی دور و وهم آساست در شب، میان تیمهای سرخ"؛ در تبیین رابطه شاعر با محیط اطراف: "شب به جستجوی من است، من در آفتاب پنهان میوم"؛ در توصیف باران: "باران، خاطر کور انسانی ست که یارای روبروشنش باخورشید نیست ... ززمه برگ هاست در شبان هیجانی هشیار ... باران بود و باران و نوجوی ستارگان ...". گفتنیست کاین جان داشتن همه چیز برای "ناندی"، تا حد برخورداری از احساسی در عوامل "بیجان محیط، گسترده می شود. باران، زخم می خورد: "شعلله های بیجان آتشی آرام، زخمهای باران را لیس می کند" و زخم خوردن باران برای "ناندی" معنائی ژرف دارد؛ به دنبال قطعه "نکر شده، بلافاصله علت زخم خوردن باران را می سزاید: "همچنانکه او چنگ بر شکم دریداش زد و افتاد، خورشیدگی و رنگ بریده، دهکدهای را دید در آتش، که پیکر او را میسوزاند" ... باران، زخم می خورد چون صحنه بردآوری را می بیند و خورشید هم (که جان و احساسی دارد) با دیدن این صحنه در آبر و دهشتناک، از حال عادی خارج میشود (گنج میشود) و رنگ از روی می دهد (غروب می شود)؛ (از شعر "آنچه از تو بود"، صفحه ۱۲۷ کتاب).

این قطعه شعر در اشعار "ناندی" نمونهوار نیست. تقریباً در کلیه اشعار این مجموعه، چنین ایجاز و ایماز شگفت آوری نهفته و گاه چندان به پیچیدگی میرسد که ذهن را دچار ابهام می کند! اما آنچه ابهام به چشم می آید، بزبان ویژه "ناندی" مرتبط است. به دیگر سخن، باید زبان ویژه "ناندی" را شناخت تا کلید گشایش پیچیدگی های ابهام آفرین شعرهایش را یافت. امری که میتوانست در مقدمه کتاب، توسط "م. پیوند" انجام گیرد و در شناخت زبان ویژه شاعری که در ایران هنوز شناسا نیست راهگشا باشد.

به هر رو، "پریش ناندی"، با مجموعه شعر "اگر که باید تبعیدم کنی" و بوسیله ترجمه زیبای "م. پیوند"، در جامعه شعر و ادب ایران، چهره گشاده و با همین مجموعه نخست، آثار ارزنده ای برای اهل شعر و ادب ایران به ارمغان آورده است.

چند شعر از

مجموعه «باغ وحش بزرگ»

گرسنگی

این گرسنگی است، جا نوری

همه چنگال و همه چشم.

نمی توان او را منصرف کرد یا فریفت.

با یک وعده غذا سیر نمی شود.

با ناها ریا خام

راضی نمی شود.

همیشه به خون تهدید می کند.

چون شیر می خورد، همچون ماریبو آ له می کند،

همچون انسان می اندیشد.

نمونه شی که می بینید

در هندوستان گرفته شده (در حومه بمبئی)،

اما درحالی کم و بیش وحشی

در بسیاری جا های دیگر نیز هست.

لطفاً عقب تریا بیستید.

رودخانهها

چنبره زده برگرد خویش

رودخانهها، رودخانه های مقدس، به خواب رفته اند.

می سی سی بی با سیاها ن خود

آما زون با سرخپوستان خود.

آنان همچون قنرها شی سترگند

بربا رکش های غول آسا

بچه ها، خنده کنان، برای آن ها

جزیره های کوچک سبز زنده شی می اندازند

و جنگل های بی رنگ طوطی

قایق های پرا زسرنشین

و رودخانه های دیگر.

رودخانه های بزرگ بیدار می شوند.

آهسته چنبره با زمی کنند

هر چه هست می بلعند، تا مرز ترکیدن با دمی کنند،

و دوباره به خواب می روند.

(یک نمونه

به راستی بدیع.)

ککک

این جا نورچا ربا

خاستگاهش شهرجا بلین، دزمیسوری است.

آدمخوار است.

بدون غذای معمولیش، سیا هیوست بریان -

سرا سرش را زوزه می کشد.

اما سرانجام زبا درخوا هدا مد.

تغذیه اش مساله شی حل ناشدنی است.

ترجمه را مین شهروند

سوئد - استکلم

بدنبال دریافت اخبار رگتار دسته جمعی زندانیان سیاسی توسط جانیان حاکم بر ایران موجی از اعتراضات و اقدامات برای نجات جان اسرای دربند و برابری مقابل با سکوتهای ارتباط جمعی سوئد، در این رابطه، در استکلم و شهرهای دیگر سوئد برپا گردید. اولین اقدام و واکنش را جمعی از خانوادههای شهدا و زندانیان سیاسی مقیم سوئد - که برخی شان بتازگی عزیزان شان را در کشتارهای اخیر رژیم زدست داده اند - با تحن دفتر "منستی Amnesty" آغاز کردند و از تمامی ارگانهای مدافع حقوق بشرو معامع بینالمللی ذیربط بویژه از عفوبینا لملل، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد و صلیب سرخ خواستند که: ۱- برای لغو فوری اعدام و شکنجه زندانیان سیاسی ایران از تمام مکانها تشنهان استفاده کنند. ۲- هیئت‌های را در اسرع وقت برای بررسی شرایط زندانیان ایران و وضعیت زندانیان سیاسی گسیل دارند. ۳- جنایات رژیم اسلامی را افشاء و محکوم نماید. ۴- مشخصا مسئولین عفو بین‌الملل شعبه استکلم خواسته شد که یک کنفرانس مطبوعاتی با تفاق خانوادههای شهدا و اسرای سیاسی در محل دفتر عفوبینا لملل ترتیب دهند.

مسئولین عفوبینا لملل شعبه استکلم بنسب چهارمین خواست یعنی برپا شدن یک کنفرانس مطبوعاتی با تفاق خانواده شهدا و زندانیان سیاسی مخالفت نمودند، آنگاه خانوادهها خود را با مطبوعات و رادیو تلویزیون تماس گرفته و آنان را به محل دفتر منستی فراخواندند، خبرتحمسن خانوادههای شهدا و زندانیان سیاسی بهمسراهمصاحبه‌هایی با آنان در رادیو روزنامه "DN" بر تیراژترین روزنامه صبح سوئد بطور مشروح با تذاب یافت. متاسفانه آنکه خبرنگاران کانسال ۲ تلویزیون سراسری سوئد در محل تحن حضور یافتند و مطالبه‌هایی را نیز با برخی از خانواده‌های شهدا و اسرای سیاسی انجام دادند، از یختن این خبر و اخبار مربوط به کشتار زندانیان سیاسی خود - داری ورزیدند.

رفقای ما در استکلم به حمایت فعال و همه جانبه از حرکت اعتراضی خانواده‌های شهدا و زندانیان سیاسی برده ختند و با بسیج گسترده حول دفاع از زندانیان سیاسی با احزاب مترقی و مسئول حقوق بشر در وزارت امور خارجه سوئد تماس گرفته و اطلاعات راجع به کشتارهای اخیر رژیم لیست یکم نفره‌ای از قربانیان کشتار اخیر رژیم را در اختیار آنان گذاشتند، در تماس با فراکسیون پارلمانی حزب کمونیست چپ "vpx" قرار شد از جانب این حزب مطالبه قتل عام وسیع زندانیان سیاسی در ایران در پارلمان طرح شود، به کوشش رفقای ما مقالاتی در رابطه با کشف گورهای دسته -

جمعی اعدا شدگان در در روزنامه "جنوب سوئد" "Sydsrenska" و "پرولتر" به چاپ رسید. علاوه بر این مواجبه مشروحي در این رابطه با یکی از رفقای ما در روزنامه "پرولتر" ارگان حزب (KPML) درج گردید، واحد استکلم سازمان همچنین خبرنگارهای همراه با لیست هه نفره‌ای از قربانیان کشتارهای اخیر رژیم را منتشر و در مقیاس وسیع در میان ایرانیان بخش کرد.

بدعوت خانواده‌های شهدا و زندانیان سیاسی تظاهراتی در روز ۹ دسامبر در محل میدان مرکزی استکلم برگزار گردید، رفقای ما به همراه حزب دمکرات - رهبری انقلابی طی اعلامیه‌ای حمایت خود را از این حرکت اعلام نمودند. واحد استکلم فعالان خانواده‌ها را در برگزاری این آکسیون یاری نمودند. در این تظاهرات نماینده - ای از کمیته مرکزی حزب کمونیست ما رگتار لنینیست‌های انقلابی سوئد (KPML) به ابراد سخنرانی پرداخت و در سخنانش ضمن همبستگی با خانواده‌های شهدا و زندانیان سیاسی از دولت سوئد خواست که نقض حقوق بشر و کشتار زندانیان سیاسی در ایران را صریحا محکوم نماید.

بلاگردی به طول ۱۵ متر تهیه شده بود که بر روی آن این عبارت به چشم خورد "به حمام خسون در زندانیان ایران پایان دهید"

Stoppa blodbadet i iranskafängelser

این ابتکار توجه بسیاری از رهگذران را بخود معطوف داشت، تظاهراتکنندگان پس از استماع سخنرانی نماینده حزب (KPML) و پیام خانواده‌های شهدا و زندانیان سیاسی با برافروختن مشعلهایی در دست که بسیار جلب توجه می‌کرد به راهپیمایی در خیابانهای مرکزی شیر پرداختند. پس از طی چندین خیابان به محل آغا زرا هیمائی بازگشته و با صدور قطعنامه‌ای به تظاهرات پایان دادند.

همچنین تظاهراتی در روزهای یکشنبه ۱۱ دسامبر و دوشنبه ۱۲ دسامبر علیه رژیم جمهوری اسلامی و برای دفاع از زندانیان سیاسی برگزار گردید. خبر هر دو تظاهرات در تلویزیون سراسری سوئد منعکس گردید.

اتریش - وین

هواداران سازمان در اتریش در اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی و برای جلب تیشناسی معامع بین‌المللی و ارگانهای دولتی، متسسن اطلاعیه مطبوعاتی سازمان را به همراه نامه‌های اعتراضی به نخست‌وزیر، وزارت خارجه، وزارت داخله اتریش و کمیساریای عالی سازمان ملل، عفوبینا لملل و صلیب سرخ شعبه اتریش و آژانس خبرگزاری این کشور ارسال نمودند.

هلند - آمستردام

بدنبال اعتماد غذایی که به ابتکار سازمان‌های سیاسی و نیروهای ترقیخواه ایرانی در محل دفتر منستی صورت گرفت و بازتاب گسترده‌ای در معامع عمومی یافت، بخشی از نیروهای انقلابی و مترقی شامل هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - اقلیت، سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - ثورا، عفوبینا لملل، وحدت کمونیستی، آرمان مستغنی، جمعیت زنان ایرانی در هلند، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) و جمعی از ایرانیان انقلابی در هلند، اقدام به ارسال اعلامیه و قطعنامه آکسیون مشترک قبلی، گزارشی کامل عفوبینا لملل و نامه خانواده‌های زندانیان سیاسی، برای تمام اعضای پارلمان، احزاب، نهادها و سازمانهای هلندی، روزنامه‌های برتیرا ژوبه طور کلی رسانه‌های همگانی نمودند. در این نامه‌ها ضمن توضیح وضع زندانیان و کشتار دسته جمعی زندانیان سیاسی از آنها خواسته شده که به دولت خود فشار برده و رتدستار جمهوری اسلامی را رسماً محکوم کرده، بر برتیرا بگذارند و در همین راستا مانع سفر "فاندر بروک" وزیر امور خارجه هلند به ایران که قرار است در ماههای آینده صورت بگیرد، گردند. در این نامه سازمانهای مذکور اعلام داشته اند که گمانگاران اشکال مختلف به قطعنامه‌های خویش در جهت افشاءگری رژیم ایران ادا خواهند داد. این سازمانها در همین رابطه اقدام به چاپ یک بولتن مشترک خبری نموده اند.

هلند - زوله

بدعوت کانون جدیدالتاسیس بنام هندگان سیاسی ایران در شهر زوله - هلند، در مراسمی که در تاریخ ۳ دسامبر برگزار گردید و در آن بیش از ۲۵ ایرانی و تعدادی هلندی حضور داشتند، کانون به افشاء رژیم جمهوری اسلامی برده و صدای اعتراض خویش را نسبت به گسترش موج اعدام و شکنجه به گوش مردم هلند رساند. در این مراسم در کنار برنامه‌های هنری از قبیل موسیقی ایرانی و تئاتر، کانسون گزارشی از وضعیت بنامندگان ایرانی در ترکیه و پاکستان و همچنین اوضاع زندانیان رژیم و اقدام‌های اخیر آنها، این مراسم با استقبال شرکتکنندگان مواجه شده بود. در پایان با بخش اعلامیه‌ای از جانب خانواده‌های زندانیان سیاسی خطاب به مراکز دفاع از حقوق بشر و سازمانهای بین‌المللی به دو زبان انگلیسی و فارسی پایان پذیرفت.

با پیام کارگر همکاری کنید!

لندن : انگلستان

اعتصاب غذای سه روزه

نامه منتشر شد، روز سوم و مراسم یابی نقطه اوج این آکسیون اعتراضی بود، اعتصابگران در این روز در میدان ترافالگا رلندن بیروی پله های کلیسای "سنت ماری" گرد آمده و بخشی از آنان درون یک قفس بزرگ که بر روی آن جوبه دار نصب شده بود قرار گرفتند. ۲۰۰۰ یادگتک سیا ه رنگ که با ستاره های سرخ بهم متصل بودند به نشانه نوک استرای شیب در بالای قفس در اهتزاز بودند، اعتصابگران در ساعات صبح با بخش اعلامیه و بحث و گفتگو با مردم، همدردی و پشتیبانی آنها را جلب کرده و هر چه بیشتر جیره کربه حکومت اسلامی را اقیاء نمودند. در این مراسم "جرمی کورسین" نماینده مترقی پارلمان انگلستان از حزب کارگرا حضور در میان اعتصابیون مستقر در قفس ضمن استراز همستگی برای مردم و عا برین میدان ترافالگا ر

با اراخوان مشترک کمیته اندام سفیر رسانیان سیاسی ایران؛ IPPAC؛ اوکمیته علیه اعدا میا در ایران، اعتصاب غذای سه روزه ای را ر تاریخ ۵ ژانویه ۱۹۸۹ در لندن آغاز گردید. برنامه اس اعتصاب غذا که همراه آکسیونهای اعتراضی مسوع بخوسی سازمان ده شده بود، شامل تجمع اعتصابگران در مقابل مراکز میم لیدن در طول روز و گرد هم آئی نشاء آجا حیت بر نامه های حسنی و اسراحت در یک مکان معین بود. روز اول اعتصابگران در مقابل دبیر سازمان ملل و روز دوم در مقابل ساختمان روزنامه "اسدی سدن" گرد آمده. در پایان روز اول نمایندگان اعتصابگران با فرجه ده نامه سنده سازمان ملل نطقه مد مربوطه را در ان ارا شده اند. در این روز در نامه های "مورسک استار" و "کار دین" با اعتصابگران مواحد کرده که همرا ده عکسپا ئی از مراسم در این دور و رنامه منتشر گردید. سردیسر روزنامه "اسدی سدن" هم در روز دوم اعتصابیون مواحد کرده که مراسم و عکس مراسم در آن روز

از طریق بلندگو سخنرانی نمود، او در سخنرانی خود اشاره کرد که این مراسم برای بزرگداشت هزاران زندانی سیاسی است که بوسیله رژیم ملامی قتل عام شده اند، زندانیانی که فقط بخاطر اعتقادیه سوسنا لیسم و بخاطر دفاع از دیمکراسی در زمین خود این جنس وحشیانه قتل رسیدند، او گفت "ما از دولت انگلستان می خواهیم که تا زمانی که اعدا میا ادا نموده اند و در ایران دمکراسی نقض می شود، این سنگ را بخود بخرد و هیچ قرار دادی با این سران منعقد نکند". سپس آخرین بخش این برنامه که خواندن قطعه نامه شامل درخواست قطع اعدا میا، برقراری منظم ملاقات زندانیان و دیدار یک هیئت بین المللی از زندانیان ایران بود همراه بارها کردن یادگتک ها در قضا و ترتم سرود "بربا خیرا رجا کن" با جراد آمد، محصول این برنامه سه روزه که با حمایت تیروهای مترقی انگلستان همراه بود تا شرمینی در افکار عمومی و جلب توجه مردم علیه جنایات تاشیستی حکومت اسلامی داشت.

Advertisement for 'Why?' featuring a headline 'Workers Vanguard' and 'Alert! Mass Executions of Leftists in Khomeini's Iran'. It lists names of contributors like Afrat, Abulghasem, Colonel, and others. The ad includes a date 'Friday 6 January 1989' and a 'Workers Vanguard' logo.



Resolution of the Hunger Strike Committee in Protest at Mass Execution of D-I Prisoners in Iran Press release no 3

On the third day of the hunger strike to highlight the massacre of political prisoners in Iran we, the hunger strikers wish to protest at:

پاکستان - کراچی

برای اعتراض علیه کشتار زندانیان سیاسی و برای سازمان دادن یک مبارزه متحد در این مورد هواداران سازمان ما در کراچی به همراه هواداران سازمان جریکهای فدائی خلق ایران و فعالین هسته اقلیت در آن شهر اعلامیه مشترکی منتشر کردند که در اینجا بخشهایی از این اعلامیه بنظر خوانندگان می رسد.

هموطنان آزاده مبارز!

ایران غرق در بحران، ایران ویرانه می باشد. هم اکنون در سیلابی از خون دست و پا میزند. درنده خویان حاکم از خون انقلابیون کمونیست و مبارزان جوی خون کم سابقه ای برآوردند. در چپار - ماهیس از پذیرش زبونا نه آتش بس توسط رژیم قرون وسطائی جمهوری اسلامی هزاران تن از زندانیان سیاسی - این فرزندان قهرمان خلق - به جوخته تیرباران سپرده شده اند، و با که در میا دین شهرها از درخت و تیر برق و چراغ قاع و آویز

دلیرمی بینمان، بی تفاوت باشد. ولی حقیقت - فون - یعنی به عقب نشینی و ادار نمودن رژیم - تنها می تواند محصول یک مبارزه متحدانه - گسترده و پیگیرانه در داخل و خارج ایران باشد. امروز ما پناهندگان و آوارگان ایرانی خارج از کشور، بیش از هر زمان دیگری وظیفه داریم که با یکا زگیری اشکال متنوع مبارزاتی و اعتراضی، ضمن درهم شکستن سکوت معنی دار محافل جهانی، آنها را هر چه بیشتر در جریان سیلاب خون ایران قرار دهیم. با عدا تمام قوا از مبارزات دلیران زندانیان سیاسی و خانواده ها ایشان برای متوقف نمودن شکنجه و اعدام حمایت کنیم...

مرگ برخلادهای جمهوری اسلامی!

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم!

هواداران سازمان جریکهای فدائی خلق ایران - کراچی
فعالین هسته اقلیت - کراچی
هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - کراچی

آلمان فدرال

کلن:

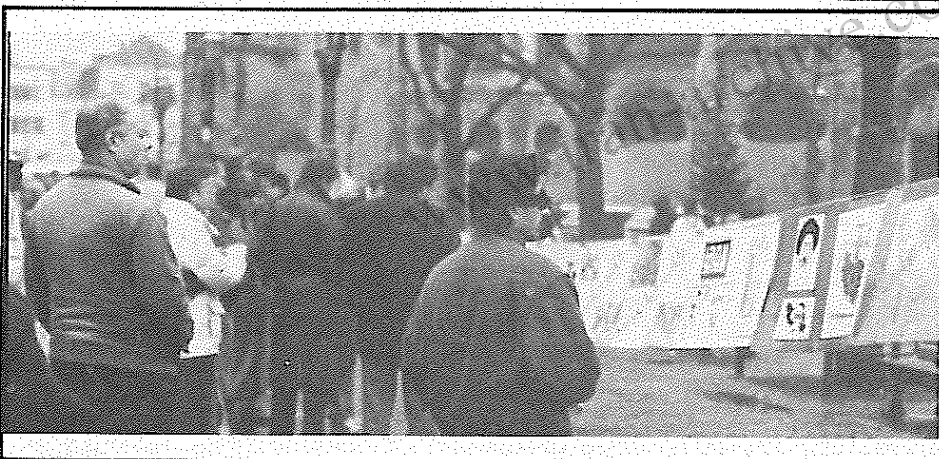
روز پنجشنبه و جمعه، ۵ و ۶ ژانویه، در مقابل محل منزای شهر کلن، نمايشگاهي - بمناسبت "۱۱۱دی" روز تجدید دیدمان با شهدای سازمان، به همراه میز نشريات و کتب، بمعرض نمايش گذاشته شد.

در این نمايشگاه، علاوه بر گرامیداشت یاد شهدای سازمان و جنبش جای ویژه ای به افشاگری علیه قتل عامی و وحشیانه اخیر در زندانهای جمهوری اسلامی داده شده بود. این نمايشگاه که هر روز بمدت ۳ ساعت نمايش داده شد و شامل عکس، طرح، شعرو مطالب اطلاعاتی از اعدام، شکنجه و وضع زندانها در جمهوری اسلامی بزرگنمای فارسی و آلمانی بود، مورد توجه و استقبال ایرانیان، آلمانیها و دانشجویان دیگر ملیتها قرار گرفت.

بن:

روز شنبه ۷ ژانویه، در مونیخ پلاکتهای شهربان نمايشگاهي بمناسبت "۱۱۱دی"، به یاد دو گرامیداشت شهدای سازمان و جنبش بنمايش گذاشته شد. نمايشگاه عکسهای از اعدامها و شکنجه، آثار شهدای اخیر در زندانهای جمهوری اسلامی، لیست شهدای اخیر سازمان و همچنین شهدای سازمان از ابتدا تا کنون، روابط کنونی ایران و آلمان و اسناد و طرحهای افشاکرانه علیه جمهوری اسلامی شامل می شد. نشريات و اعلامیه های سازمان در مورد اعدام های دسته جمعی در ایران، بزرگانهای آلمانی و

گشته اند. جنایاتی که تنها و تنها سعیت درندگان تاریخ همچون نرون، جنگیز و هیتلر را به یاد می آورد. ما اخبار روگزارشهای جسته و گریخته ای که با همه ممانعت و سانسور رژیم، به بیرون درز کرده، حکایت از ایستادگی و شجاعت کشتارهای اخیر دارد... پس اسعاده عظیم جنایات فوق، دیگر محلی از آرامش و سکوت برای ما باقی نمی گذارد. اگر مغفومان را فشرده نسازیم، اگر متحدان و استواران علیه این سیلاب خون بسا نخیریم، و اگر با عزمی آهنین جلوی خون آشامان حاکم را نگیریم، بی شک به او اجازه داده ایم که نارغ البال دست به درویش از مدتها رجوانه زندگی، در زندانهای کشور بزند... اما این سیاست بنا به سبب سبب سوسیالیستی، از آن نوع تاکتیکی نیست که بتوان همیشه آنرا بصورت آشکار و صریح یکا گرفت. سکوت کامل رژیم در برابر اعتراضات سازمان های بین المللی، و راه انداختن کارناوال "آزادبخواهی" و "عفو مخالفین" در هفته های اخیر، بخوبی بسا نگر این مسئله است که رژیم حاکم بر ایران با وجود ماهیت قرون وسطائی، قادر نیست و نمی تواند نددر برابر فشار افکار جهانی و همچنین ایستادگی مردم



انگلیسی پخش گردید و اطلاعیه مطبوعاتی سازمان

در مورد اعدامهای و وحشیانه اخیر در زندانهای جمهوری اسلامی، در آکسیون که چپهای مستقل آلمانی در اعتراض به سرنگون کردن هواپیماهای لیبیائی توسط آمریکا در همان محل سازمان داده بودند، فراغت شد. اسناد این نمايشگاه که بزرگانهای آلمانی و فارسی تهیه شده بود، مورد استقبال شدید بینندگان ایرانی و آلمانی قرار گرفت.

آلمان فدرال

کنستانس:

تعدادی از دانشجویان ایرانی مقیم شهر کنستانس در تاریخ ۲۲ دسامبر برای اعتراض علیه کشتار زندانیان سیاسی اقدام به یک راهپیمائی و تظاهرات در این شهر نمودند. دانشجویان بسا تجمع در مرکز شهر و پخش وسیع اعلامیه به زبان آلمانی، جنایات حکومت اسلامی را افشا کردند. این حرکت مورد توجه افکار عمومی شهر قرار گرفت.

اتریش

بمناسبت سالگرد تاسیس جمهوری ما بسا از طرف هواداران حزب دمکرات کردستان ایران (رهبری انقلابی) سمیناری با شرکت یکسی از کارهای این حزب در تاریخ ۱۷ ژانویه برگزار کردید. در این سمینار که افراد مترقی اتریشی و جمعی از ایرانیان و کردهای عراق و ترکیه شرکت داشتند، کار حزب دمکرات (رهبری انقلابی) ابتدا تا ریخه مختصر خلق کرد و وضعیت جغرافیائی و فرهنگی آنرا توضیح داد و سپس به مبارزات خلقی کردید و اخت و سرانجام جلسه بمدت دو ساعت بسه بریش و پاسخ اختصاص یافت.

سنون آزاد

جنبش دمکراتیک واحد: واقعیت یا آرزو؟

از مهاجرت‌های وسیع سال ۶۲ به این سو و به موازات استقرار در خارج از کشور، سازمان‌های انقلابی ایران یکی از مروجین سرسخت ایده جنبش دمکراتیک واحد، یعنی جنبشی که در آن فرا سوی مرزهای ایدئولوژیک و گرایش‌های سیاسی می‌توان همه نیروها را که پلاتفرم عمل مشترک دموکراتیک را می‌پذیرند گرد هم آورد، بوده است. از تجربه منفی "جبهه دفاع از حقوق دموکراتیک مردم ایران" در پاریس به این سو ما شاهد تکرار این تجربه در کشورهای مختلف، در کمیته‌ها، انجمن‌ها و کانن-های متنوع و با شرکت کنندگان متنوع تربیده ایم. کارنامه منفی این تلاشها بخوبی نشان می‌دهد که

سکتا ریس و فرقه‌گرائی تا کنون بعنوان مهمترین عامل بازدارنده عمل نموده است و هم‌اکنون برای جنبش در تمام مدت مورد بحث آماج افشاکسری و انتقاد دوسرزش قرار داشته است. اگر در گذشته دور طیف سفخا مانع اصلی در راه شکلگیری یک جنبش دموکراتیک نیرومند و توده‌ای در خارج از کشور تلقی میشد، امروزه نیروهای گوناگون دیگری نیز از جمله حزب کمونیست، طیف چپ لیبرال، گروهیهای ما ثوئیست و... را میتوان در این لیست جا داد. بنا بر این به گمان ما می‌بایست ایده فوق چه بطور عام و چه بصورت مشخص مورد نقد قرار گرفته و در بر توجیه کنونی و با عطف توجه به سایر عوامل تصحیح شود.

آیا ایده جنبش دموکراتیک واحد بخودی خود نادرست است؟ آیا میتوان چند گرایش در سطح جنبش دموکراتیک داشت؟ آیا روند فروپاشی صف بندی‌های متناحس در احزاب سیاسی ایران و شکلگیری احزاب و گرایش‌های سیاسی جدید در جنبش دمکراتیک سی تا شیراست؟ و یا لآخره آیا هنوز میتوان سازماندهی جنبش واحد توده‌ای در خارج از کشور را هدف قابل وصول تلقی نمود؟ پرسیده جنبش دموکراتیک واحد چه در خارج و چه در داخل ایران و هر جا معنای دیگری بخودی خود خط نیست زیرا تا جایی که اهداف دموکراتیک مشترک وجود دارد، منطقاً میتوان خواستار وحدت اراده در جنبش جنبشی شد و در ایران که ما یکبار تکرار شده تشکیل‌دهنده جنبش دموکراتیک و توده‌ای، منفی و اتحادیه‌ای، کارگری و دانشجویی و معلمی و... را به عینه تجربه کرده ایم و عواقب تلخ و زیان بار آنرا مشاهده کرده ایم، نفس داشتن تمایل به وحدت نشان دهنده جدیت و احساس مسئولیت است. لازم به تکرار نیست که شکلگیری اراده توده‌ای علاوه بر مجموعه‌ای از عوامل دیگر و از جمله پدیدار شدن سیماهای یک‌الترناتنیواشی و انقلابی در جا معنی محتاج اسلوب‌های نوین و پخته، کسار توده‌ای و دموکراتیک است. اسلوب‌هایی که در جوهر خود اعتقاد و احترام به اقدام مستقل توده‌ای و بسنه اراده توده‌ها را داشته و بنا بر این برای سازماندهی

این اراده و برای توانمندی آن بر درخواستهای مشترک و بسیج کنندگان گشت میگذارد. اگر در شرایط مفروض یکبار دیگر به نیروهای چپ فرصت‌سالیهای ۶۰ تا ۶۵ داده شود، موفقیت این نیروها در اجتناب از اشتباهات خود در این سالها تا حد زیادی تابع درس‌گیری از شیوه فرقه‌ای کار توده‌ای می‌باشد. از این لحاظ در نگاه اول ما باید به این نتیجه برسیم که سیاست سازمان کارگران انقلابی ایران کا ملادرست بوده و این سازمان در افشای سکتا ریس و فرقه‌گرائی بعنوان موانع سدکننده راه حقا نیست دارد. میگوئیم در نگاه اول، زیرا ما می‌بایست همچنین پا را مترهای دیگری را نیز مورد ارزیابی قرار دهیم، مثلاً اینکه آیا در کنار افشاکسری تا چه حد به عمل مستقل روی آورده شده، عملی که خودجای طرحی اثباتی برای مقابله با فرقه‌گرائی باشد؟ آیا شرایط عینی و ذهنی برای تحقق شعار فوق دقیقاً مطابقت داشته اند... برای بررسی سوالات اخیر باید یک واقعیت را به صراحت پذیرفت و آن اینست که در جنبش دموکراتیک ایران ما با بیش از یک گرایش روبرو هستیم. این خود نتیجه منطقی واقعیت دیگری است و آن اینست که در ایران، همه برنا همه، ایده‌آلها، ارزشها و... در گدازه بحران می‌جوشند. ما دوران کار به "سبک آلمانی" را طی میکنیم و این "سبک" حزب یا نهفت واحد، بلکه جنبشی است با اهداف متنوع و متضاد که نه در پاره‌های مآلود گذشته مانده است و نه افق‌های روشن و اهداف تبیین شده‌ای بسرای آینده دارد. بنا بر این چه دلیللی دارم که امروزه بتوان با کمالاتی وحدت اراده داشت که برسینه خود بلاکاره "از انقلاب و از عمل انقلابی" نام همست" را حمل میکنند و نسبت به این باور جدید خود فخر و روشنی گستاخانه‌ای هم دارند؟ اگر سکتا ریس حزب کمونیست نه صرفاً یک بیماری دوره کودکی که تب و تاب جریانی است که در مانی خود به بین بست رسیده است و اگر توده‌ایهای دوآتشه، دیرروز، برادران عقیدتی خود را در هیئت سوسیال امپریالیست‌های دیروز و زیر بیرق بی افتخار سوسیال دمکراسی بازمی‌یابند آنگاه باید اینطور نتیجه‌گیری نمود که آری مردم در خواسته‌های دموکراتیک خود در مبارزات جاری خود محتاج وحدت اراده‌اند، اما این وحدت از سوی "نمایندگان" از این مردم که هنوز خود بدسترسی نمی‌دانند که در کجا ایستاده اند نمی‌توانند متحقق شود. این نتیجه‌گیری باید بدون تا مل در ارزیابی از دلائل ناگامی سیاست ایجاد جنبش دموکراتیک و اخذ اراده و این سیاست تصحیح گردد. در اینجا اشاره‌ای گذرا به وضعیت جنبشهای دموکراتیک و توده‌ای در کشورهای دیگر برای نشان دادن اینکه یک ایده‌آل درست لزوماً همیشه قابل تحقق نیست، خالی از فایده نیست. در بسیاری از کشورهای اروپائی

ما در جنبش کارگری شاهد وجود چندین گرایش و چندین اتحادیه سرسری هستیم. در فرانسه، ایتالیاییها، اسپانیاییها و... مرزبندیهای سیاسی روشنی در درون جنبش کارگری وجود دارد و ما این وضعیت را به وفور در مورد جنبش صلح، جنبش محیط زیست، جنبش جوانان و زنان و... نیز مشاهده میکنیم. اگر چه این جنبشها با مرزهای ایدئولوژیک از هم تفکیک نشده‌اند، اما مرزها و با دقت ترینگیهای سیاسی آنها را از هم جدا کرده، به این یا آن محدودی و یا نزدیکی واداشته و در معنی از همگاری فی ما بین را ممکن کرده است. این پدیده در جزئیات خود محتاج بررسی دقیقتری است اما بر مبنای یک مشاهده اولیه میتوان گفت که جنبش دموکراتیک واحد یک قاعده نیست، اگر چه میتوان ندیک وضعیت مطلوب با شد. می‌گوئیم نمیتوانند با شد، زیرا در شرایطی برای کمونیستها مطلوب تر است که بر استقلال خط سیاسی خود در جنبش همگانی که در آن نیروهای دیگر قوی ترند با فشاری کرده و حتی از آن انشعاب کنند. اینک در هر مورد چه سیاسی با پیدا نخواهد بود به ارزیابی مشخص از سوز و زبان "وحدت" یا "انشعاب" بستگی دارد و فرا موش نکنیم که بین این دو درجات دیگری نیز وجود دارد که با همگاریها و تفاوتها کوتاه مدت و بلندمدت ما بین گرایش‌های درون یک جنبش دموکراتیک قابل تعریف است.

با این توضیحات باید گفت که تا جایی که مسئله بر سر مبارزه با مرزبندی ایدئولوژیک در جنبش دموکراتیک است، این سیاست کاملاً بجاست و همینجا باید نتیجه گرفت که این یا آن گرایش در درون جنبش دموکراتیک برای بقاء خود مجبورند که ملاکهای ایدئولوژیک را با جانبداری سیاسی معین تعویض کنند. این کار درست به نقاد زسوی پاره‌ای از جریانات صورت گرفته و میگردد. مثلاً جریانات چپ لیبرال که شرایط رشد خود را مساعد می‌یابند متدبست که از بیاج دادن به گرایشها بپولیتی و سوسیال دمکراتیک خام - مثل حزب کمونیست - در مورد مرزبندیهای ایدئولوژیک خود - داری کرده و به سازماندهی جنبش خود، یعنی گرایشها با برنا مهر و روشن سوسیال دموکراتیک برداخته و از این روی برای جذب نیرو از توده سرگردان و بحران زده فعالین سابق چپ، کار دموکراتیک بر مبنای پلاتفرم را به پیش میکشند و تا جایی که از رنگ سیاسی گرایش خود اطمینان داشته باشند به مرزبندیهای ایدئولوژیک نمی‌پردازند. بسرای نمونه در کنگره‌ای که سال قبل در شهر فرانکفورت از سوی فعالین سابق کنگره سیون برگزار شد، این ایده که مبنای وحدت پلاتفرم به اصطلاح خط سیاسی (!!) است مورد اذعان جدی قرار گرفت.

سازمان ندهی تشکلهای اتحادیه‌ای مقایسه نشود. از این نمونه‌ها میتوان بسیار برشمرد.

خلاصه‌کنیم: بنظر ما محورهای زیر را میتوان

از بررسی کارنامه سیاست سازمان ندهی تشکلهای دمکراتیک وتوده‌ای واحداستنتاج کرد:

- نظریه فوق با اتکاء به افشاء سکتا ریسیم،

مانع اولیه یعنی مرزبندیهای ایدئولوژیک در زمینه سازمان ندهی جنبش دموکراتیک وتوده‌ای رابه

موضع دفاعی وعقب نشینی واداشته است.

- بطور عینی در جنبش دمکراتیک وتوده‌

ای چندین گرایش مبتنی بر اهداف برنامسه‌ای مختلف وحتى مخفا وجود داشته است.

- گرایشات فوق اکنون بسوی تعریف نمودن

دقیق خودگام مبرمیدارند و با توجه به بحران هویت بخشی بزرگ از فعالین سیاسی نیا پدیدر مورد وحدت

این گرایشات خوش بین بود.

- وحدت گرایشات فوق اگر در آینده ممکن

باشد، تنها از مسیر شکلیگری مستقل هریک از آنها خواهدگذشت.

- در شرایط فعلی می بایست بدون فسوت

وقت به تدقیق پلاتفرم دموکراتیک را دیکال در مقابل پلاتفرمهای رفرمیستی، سوسیال دموکراتیک

و خلق گرا پرداخت وهمزمان به سازمان ندهی مستقل حول پلاتفرم اخیر دست زد.

- مبارزه با گرایشات انحرافی در جنبش

دمکراتیک اکنون از گمانال سازمان ندهی مستقل حول پلاتفرم دموکراتیک کمونیستها میگردواز این رو

فقط چنین پلاتفرمی می بایست مبتنی سازمان ندهی قرار گیرد.

آذری

۱۸ دسامبر ۱۹۸۸

تصحیح وپوزش

در خبر مربوط به برگزاری نیا شکار عکس،

تظا هرات وشب همسنگی وآکسیونهای مربوط به آن در شیروین، مندرج در نشریه پیام کارگر شماره

۳۵ صفحات ۷۶ اشتباهاتی رخ داده است که با عرض بوزش بدین ترتیب اصلاح میشود:

برگزاری آکسیونهای فوق توسط جمعی از

تشکلهای هواداری سازمانهای سیاسی وتشکلهای دمکراتیک مقیم وین ترتیب یافته که در صفحه ۶ تحت

عنوان "شب همبستگی با زندانیان سیاسی در ایران" آمده است. در ضمن عکس چاپ شده در صفحه ۷ نیز

مربوط به تظا هرات ۲۶ نوا امیر است که توسط نیروهای فوق برگزار شده است.

منتشر شده است

بولتن مباحثات طرح برنامه

شماره ۱

راههای وصول به آنها نیز وحدت داشت. در این مورد ذکر چند نمونه کمک کننده است. آیا کارگران فرا سوی

در مبارزه برای خواسته‌های جاری خود وحدت اراده دارند و اگر چنین نیست چه علتی بجز گرایشات

سیاسی گوناگون این کارگران موجب میشود که آنها در اتحادیه‌های متعددی متشکل شوند؟ آیا جنبش

زنان میتواند همواره بصورت یک جنبش واحد و جدی حرکت درآید و یا متشکل شود؟ آیا امروز همه

کارگران ایران خواستار این هستند که برای قانون کار مترقی مبارزه کنند؟ آیا جنبش حفظ محیط

زیست جنبشی رنگارنگ و حاوی گرایشات مختلف نیست؟ از این نمونه‌ها میتوان با زهم برشمرد.

این مطلقا به معنای رد ضرورت وحدت نیست، بلکه به این معنی است که ما سازمان دادن توده‌ها حول

خط سیاسی خود را تنها به شیوه جمع نمودن همه گرایشات آنها در یک قالب واحد پیش نمی بریم،

گرچه برای شرایط امروز ما این شیوه از نقطه نظر اهداف کمونیستی مناسبترین باشد. امروزه که مردم

ما هنوز گامهای اولیه حزب را تجربه نکرده اند و فعالین سیاسی نیز هنوز جایگاه حزبی خود را نیافته

اند، موکول کردن سازمان ندهی جنبش به ایجا دور شرایط مطلوب وحدت نتیجه‌ای بجز این ندارد که ما

مردم و کارگران را در اختیار حزب دیگر بگذاریم و به آنها در مورد مفروضات وحدت شکنی استقا دکشیم، این

وحدت شکنی جزئی از پروسه ناگزیری است که در انتهای آن هر جریان خود را با برنامه خود و

نیروی متشکل شده حول خود خواهد یافت. اگر حزب کمونیست میخواهد که کارگران را برای "شوراها"

متشکل کند و اگرسوسیال دموکراتها وظیفه توده‌ای خواهند داشت این هستند که کارگران در مبارزات جاری خود

به مرز سرخ نزدیک نشوند و به این دلیل راه خود را جدا میکنند، دلیلی ندارد که کمونیستها که خواهان

سازمان دادن لشکریان انقلاب در تشکلهای مستقل توده‌ای و دموکراتیک هستند، خود را مشروط به شکستن

"سکتا ریسیم" کنند، این "سکتا ریسیم" اکنون مضمون عقب مانده و موارا حزبی خود را از دست داده و در

واقعیت زندگی گوشت و پوست اهداف برنامه‌های معینی را پیدا میکند، ما نباید بیش از این از توجه

به مضمون کنونی و در حال شکلگیری فرقه‌گرایی و وحدت شکنی، مضمونی منطبق با برنامه‌های رفرمیستی،

سوسیال دمکراتیک، و یا خلق گرا غفلت کنیم. این غفلت که تا حدی ناشی از لجاجت بخشی

از حزب در پذیرش لقبیای کار دموکراتیک وتوده‌ای بوده است موجب شده که تاکنون مضمون برنامه‌های

جنبش دموکراتیک، جنبش توده‌ای، و کارگری در مرکز مبارزه، ایدئولوژیک قرار نگیرد، مثلا محکمترین

دلیل پوپولیستها و حزب کمونیست در رد نظریه سازمان دهی اتحادیه‌ها وتشکلهای نوع اتحادیه‌ای در جنبش

کارگری مطروحه از جانب سازمان کارگران انقلابی ایران این بوده است که این همان حرف حزب

توده‌است. چنین استدلال مضحکی تنها وقتی می تواند تذبذب برهان قاطع تبدیل شود که در مبارزه ایدئولوژیک برنامه‌هایک از مدعیان بسراسری

حزب لیبرالهای کهنه کار بهشتر ایدئولوژیستها و حزب کمونیست این را درک میکنند که توده‌خسته‌ها لین

سابق حزب دیگر را ضربه شرکت در جنبشهای حیسمدری - نعمتی نیست و به علاوه با طرح مرزبندی بر مبنای

پلاتفرم این افراد گامی در جهت تدوین مبنای سیاسی برنامه‌های حزب خود نیز بر میدارند.

اگر تلاش برای مرزبندی ایدئولوژیک، اقدامی

است که شکست آن عیان است، ما باید منتظر ایمن باشیم که مبارز گرایشات چپهای عقب مانده دیربیا

زود به فکر سازمان ندهی مستقل فراکسیون یا گرایش خود و تدقیق خط کشی‌های سیاسی این گرایش‌ها

برآیند، بعید است که بعد از یکی دو سال دیگر سر، موجودی پیدا شود که برای ورود به تشکلهای دمکراتیک

مطالعه پرونده سیاسی و بررسی خطوط تاریک ذهن افراد متمایل را طلب کند! چنین موجودی حتی

شاخه مبارزه ایدئولوژیک نیست و باید گذاشت که در جهل مرکب بماند، اینجا یکی از نقاطی است که

خط سازمان ندهی جنبش دموکراتیک واحد باید تصحیح شود؛ این خط در واقعیت مبارزه به مخالفین خود

فهمانده است که در صورت جدی بودن می بایست به سازمان ندهی گرایش خود بر مبنای غیر ایدئولوژیک

بپردازد و توده‌ها را بر جهت گیری و تمایل سیاسی و به بیان منجمد بر پلاتفرم و برنامه عمل بگذارد و

با رگیری‌های گام به گام حزب کمونیست از عناصر توده‌ای و حتی سلطنت طلب - آنطور که در یکی از

شماره‌های گذشته پیام کارگر نقد شده بود - دعوت این جریان از "مردم خارج از کشور" برای پذیرش

پلاتفرم ضد جنگ وی و مخاطب قرار گرفتن مکرر "هموطنان" از سوی جریان‌های مختلف، نشان میدهد

که به برکت مبارزه با گرایش فرقه‌ای و نیز سلطنت فشا و واقعیت، حدنا چیزی از واقع گرائی خود را به

فرقه‌های ایدئولوژیک تحمیل کرده است و ایمن دیوار ضخیم با صلاح ترک برداشته است، از این رو

فشار مبارزه ایدئولوژیک می باید تیره تیره نحوه دادن اجازه برای ورود به جنبش دمکراتیک - یعنی

مرزبندی ایدئولوژیک - که بر مبنای متحد کننده این جنبش گذاشته شود، گرایشات سکتا رستی تا

جائگی که به ورود آزاد برای همه کسانی که مبنای عمل مشترک را می پذیرند تن دهند، دیگر مرتکب

خطای مرزبندی ایدئولوژیک نشده و از این لحاظ قابل استقا نیستند، همانطور که یک اتحادیه زرد

هرگاه عضویت را مشروط به پذیرش یا عدم پذیرش یک دیدگاه ایدئولوژیک معین نکند، بعنوان یک

یک اتحادیه زرد مرتکب عملی غیر دمکراتیک نشده است.

تا اینجا کار، بنظر ما حاصل مثبت سیاست

ایجاد جنبش دمکراتیک واحدا این بوده است که الفبای کار دموکراتیک را به مخالفان خود موخته

و با دقترا بین آموزش را به آنها تحمیل کرده است، اکنون این خط می بایست به تدوین و تدقیق پلاتفرم

خود بپردازد و در این جا است که می بایست با دگم دیگری مبارزه شود، این دگم این است که گویا به علت وحدت در اهداف بطور کلی، میتوان در مسورد

برسد، بدون شك ما از آن حمایت کرده و تمامی تلاشها و ككهای نظامی خود را قطع میکنیم، ولی تا زمانی که ایالت متحده مقدار زیادی كك به دولت جنایتکار "دوارته" میدهد، نمی تواند از کسی بخواهد که به انقلابیون السالوادوری كك نشود و كك نکند. اگر دولت ایالات متحده فكر میکند که حق دارد به ضدانقلابیون آنکولا، نیکاراگوئه و یا هر کشور دیگری كك کند، به چه حقی از دولتای انقلابی درخواست میکند به انقلابیون السالوادور و... كك نکند؟ اگر ایالت متحده الكوی برپائی جنگ های کثیف نشود و به ضدانقلابیون، که ضد دولت رسمی می جنگند كك نکند، آنوقت میتوان از دیگران هم تقاضا کرد که به جنبش انقلابی كکی نرسانند.

س : شما قصد داشتید در گفت و گوهای حاضر (پیرامون آنکولا) شرکت کنید که در ژانویه چنین نیز شد. چگونه از موقعیت کویا بر سر میز مذاکره استفاده خواهید کرد و بر سر آنکولا پای قرارداد خواهید رفت؟

ج : مساله آنکولا روشن است. ما در آنکولا هستیم زیرا به آنها در نبرد علیه افریقای جنوبی یاری کردیم. خیلی ها در مورد آپارتاید، نژادپرستی و فاشیسم صحبت کردند و میکنند، اما تنها کشوری که در واقعیت، نیروی انسانی به آنجا فرستاد تا علیه آپارتاید و نژادپرستی مبارزه کند، کویا بوده است. بنابراین فکر میکنم که یکی از افتخارآمیزترین و شرافتمندانهترین وظایفی که يك کشور انجام داده است، کاری است که کویا در آنکولا کرده است، ما در آنجا با وجود آنکه کشور کوچکی هستیم، حدوداً ۱۳ سال مقاومت کردیم.

س : شما در این مورد صحبت کردید که در حال حاضر يك موافقت اصولی برای بیرون کشیدن تمامی نیروهای خارجی از آنکولا وجود دارد. امریکا میگوید که الان به زمان بندی نیاز هست.

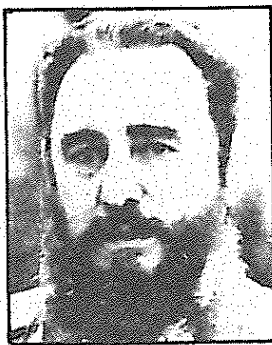
ج : من توضیح میدهم، گروه جنوبی نیروها، همیشه مورد بحث بوده است اما هیچوقت در مورد گروه شمالی نیروها صحبتی نبوده، آنها تا مدتی نامحدود آنجا ماندند، اما مذاکرات متوقف شده بود، پس آنکولا و کویا اولین گامها را برداشتند تا این مشکل را برطرف کنند. ما آماده بودیم که خروج کامل نیروها را در يك زمان مشخص انجام دهیم اما پیش شرط هائی هم داشت. اولاً: قطع هرگونه مداخله در امور داخلی آنکولا و کلا در چند کلام، پایان دادن به جنگ کثیف بر علیه دولت قانونی آنکولا از طرف آنهائی که مسئول آن هستند، یعنی افریقای جنوبی و ایالت متحده. برای برقراری قطعنامه شماره ۲۲۵ سازمان ملل تضمین های بین المللی به آنکولا ضروری بوده است، در این صورت کویا و آنکولا با يك قرارداد عمومی حرکت میکردند و بشریح تمامی نیرو های نظامی کویا از آنکولا خارج میشدند.

س : گویا چاف اخیراً در سخنان خود در مورد نیازتوجه بیشتر کشورهای کمونیستی و نیز برخوردهای تازه به تشنج های موجود در جهان اشاره کرده است بویژه در مورد افغانستان و آنکولا، شما با این گفتهها موافق هستید و یا نظر دیگری دارید؟

ج : من فکر میکنم که سخنان درستی است و من با آنها موافق هستم، من اعتقاد دارم مسائل دقیقاً شبیه هم نیستند. مساله افغانستان کاملاً شبیه مساله آنکولانیت و یا مسئله کامبوج شبیه مساله آنکولا نیست، مسائل متنوع و زیادی در جهان وجود دارند.

س : برخورد تازه شما چگونه خواهد بود؟

ج : من به سیاست صلح شوروی معتقد هستم و برای من نگرانی آنها برای صلح یکی از سازندهترین چیزهائی است که اخیراً رخ داده است. من معتقدم که این



مصاحبه فیدل کاسترو با شبکه تلویزیونی NBC آمریکا

بحث قرار داد. مجله هفتگی گراناما در تاریخ ۱۳ مارس ۱۹۸۸ متن این مصاحبه را منتشر نمود که خلاصه ای از آن در بولتن اطلاعاتی احزاب کمونیست بجاپ رسید. ما بظنظور اطلاع خوانندگان از مواضع و نظرات کاسترو بخشهائی از این مصاحبه را منتشر میکنیم.

درستی تشخیص داد و جایزه صلح نوبل را به آریاس اهدا نمود. اگرچه صلح بدست نیامده اما تلاشها مثبت بود. من فکر میکنم بیشترین گامها برای دستیابی به صلح را نیکاراگوئه برداشته است، چیزی که من خودم شاهد آن بودم.

س : من به برنامه صلح آریاس اشاره کردم، چون در ایالت متحده بر اهمیت تلقی میشود. ایالت متحده چه میتواند بکند تا مطمئن شود برنامه صلح آریاس به عمل درخواهد آمد؟

ج : خوب، کسی باید دولت امریکا را متقاعد سازد که این جنگ کثیف به هیچ جا نمیرسد. من ساندنیست ها را میشناسم، آنها خیلی وطن پرست، ملی گرا و شجاعند، امریکا از طریق این جنگ کثیف نمیتواند آنها را از بین ببرد. اگر این جنگ ادامه پیدا کند دهها کشته برجا خواهد گذاشت اما اگر ایالت متحده مداخله کند صدها هزار کشته بر جای خواهد ماند. بنابراین کسی باید دولت امریکا را قانع کند که به پیشنهاد برنامه صلح آمیز تن بدهد، سیاستی را که دولت ریگان دنبال میکند، سیاست از بین بردن نیکاراگوئه است.

من ایمان دارم که کنگره امریکا افکار مثبت و سازنده ای داشته است. من فکر میکنم که رای منفی کنگره درباره كك مالی جدید به ككترها یکی از سازندهترین گامها برای برقراری صلح در آمریکای مرکزی بوده است. من ایمان دارم که مردم ایالت متحده دارای افکار خوبی هستند و اکثریت آنها بر علیه این جنگ کثیف، این سیاست غلط و دیوانهوار، بیپوده و غیرضرور و از کار افتاده ریگان بر علیه نیکاراگوئه است. من همچنین ایمان دارم که مردم ایالت متحده در حد خود فعالیت میکنند و از آنجائی که مردم بر علیه جنگ هستند، مردم باهوش ایالت متحده باید مبارزه کنند تا عقایدی برخلاف ماجراجوییهای جنگی در رابطه با این جنگ کثیف وجود نداشته باشد.

س : بگذارید به سوال اصلی برگردم، اگر برنامه صلح آریاس در رابطه با پایان هر حمایت نظامی خارجی می بود و امریکا نیز آنرا می پذیرفت، آیا شما هم آنرا می پذیرفتید؟

ج : من فکر میکنم اگر تمامی حمایتهای نظامی و مداخلات مستقیم و غیر مستقیم در امریکای مرکزی به پایان

فیدل کاسترو دبیر اول حزب کمونیست کویا و رئیس شورای وزیران جمهوری کویا در ماه مارس مصاحبه ای با تلویزیون آمریکائی NBC انجام داد. در این مصاحبه او مسائل مختلف آمریکای مرکزی، تحولات اخیر در کشورهای سوسیالیستی و بعضی مسائل جهان را مورد

س : بگذارید به مطلب دیگری برگردیم. میخواهم با شما در مورد امریکای مرکزی صحبت کنم، شما از برنامه صلح "آریاس" حمایت میکنید؟

ج : ما از برنامه صلح و عقیدهای که راهحل سیاسی پیشنهاد میکند، قبل از برنامه "آریاس" حمایت کردیم. قبل از برنامه "آریاس" برنامه Contadora (کونتادورا) وجود داشت. گروه کونتادورا خیلی فعالانه تلاش کرد که راهحلی سیاسی برای مساله بیاید، کاری که ما همیشه از آن حمایت کردیم. برنامه آریاس نیز در همان راستا است و ما از آن حمایت میکنیم.

س : فکر میکنید برنامه صلح "آریاس" متحقق خواهد شد؟

ج : برنامه "آریاس" بی تاثیر نیز نبوده است و در این چارچوب مذاکراتی مهمی صورت گرفته و تاثیراتی نیز بر روی روندهای رخ داده داشته است.

س : بیشترین تاثیرش چه بوده است؟

ج : برنامه "آریاس" باعث شد که دولتای امریکای مرکزی پای گفتگو بنشینند و فکر میکنم احساسات آزادیخواهی دولتای امریکای مرکزی، کم و بیش تحریک شده باشد، بویژه در کواتالا. من معتقدم که دولت کواتالا افکار مستقلی را حفظ کرده است و همچنین دولت کوستاریکا، چرا که قبل از آمدن آریاس، کوستاریکا به ضدانقلابیون كك میکرد. باندهای ضدانقلابی آزادانه بین مرزهای نیکاراگوئه و کوستاریکا حرکت میکردند و سازمان سیا نیز از طریق کوستاریکا به آنها كك میفرستاد. آریاس افکار شرافتمندانهتری دارد، افکاری مستقل، او میفهمد که چه چیز به نفع امریکای مرکزی بوده و بهین دلیل سیاستهای دولت قبلی را تغییر داد. در نتیجه سه دولت با افکاری سازنده به یکدیگر نزدیک شدند، دولتای کوستاریکا، کواتالا و نیکاراگوئه و تا حدی هم السالوادور نیز علاقه نشان داد، البته السالوادور در این اندیشه بود که چه میتواند بدست بیاورد، چون که در داخل کشور خودش نیز يك جنبش انقلابی قدرتمند وجود دارد. دولت هندوراس که بگونه ای فوق العاده دست نشانده امریکاست و علاقمند است به ككهای مالی امریکا

در رابطه با پایگاههای ضدانقلاب هرچه بیشتر دست یابد، حمایت ناچیزی از برنامه آریاس بعمل آورد. بهر گونه طرح آریاس نقش پرارزشی ایفا کرد و من فکر میکنم که کمیسیون جایزه صلح نوبل، اهمیت این مساله را به

دیدماید صحبت کنید، از آنها سوال کنید آیا در اینجا قتل رخ داده است، آیا خشونت و شکنجه بر علیه زندانی وجود داشته و یا دارد؟ شکنجه توهین به ملت است، ملت ما، ملتی روشن، با فرهنگ و انقلابی است و هیچ گاه توهین به خود را تحمل نمی کند، این فقط یک دروغ شرم آور است.

س: آقای رئیس جمہور، آیا انسان هائی که به دولت انتقاد دارند و یا بر علیه دولت چیزی مینویسند، آیا آنها هم ضدانقلابی هستند و باید راهی زندان شوند؟

ج: خیر، من خودم بر علیه دولت صحبت میکنم و خیلی های دیگر نیز بر علیه دولت صحبت میکنند و به دولت انتقاداتی دارند. کسی بخاطر انتقاد به دولت به زندان نمی رود، خراب کاری بر علیه اقتصاد کشور، بر علیه کشاورزی و دیگر کارهای ضدانقلابی، با انتقاد به دولت فرق میکند. فراموش نکنید، ما با قدرتمندترین کشور جهان مواجه بودیم و آنها ضدانقلاب داخلی را تحریک میکردند، چرا باید ما کسانی را که برای یک قدرت خارجی که به کشور ما حمله کرده است، عفو قائل باشیم؟

س: آیا شما فکر میکنید ایالات متحده موفق خواهد شد که با فشار بر روی کشورهای دیگر قطبناطی را که حکایت از نقض حقوق بشر در گویا دارد را به تصویب برساند؟

ج: من تابحال ندیدم که ایالات متحده اینهمه فشار که روی ما گذاشته، روی کشوری دیگر بگذارد، ما از اقدامات ایالات متحده از طریق کشورهای دیگر و افراد دیگر مطلع هستیم، ایالات متحده از تمامی امکانات استفاده میکند، نه تنها از هم پیمانان خود در ناتو که چون شبکه‌ای مافیائی کار میکنند و همین سیاستهای دروغین آمریکا را دارند، بلکه فشارهای فوق العادتی به کشورهای آمریکای لاتین و دیگر کشورهای جهان سوم، اعم از فشارهای سیاسی، اقتصادی و... می آورد، تا آنان به نفع آمریکا رای بدهند، بهرحال ایالات متحده قدرتش را به آزمایش میکشاند. من میدانم که در همین رابطه بسیاری از کشورها علاوه بر ناراحتی و عصیانیت، دچار احساس حقارت نیز شده‌اند. گوش کنید! شولتس و وزارت امور خارجه متوجه خرابکاریهایشان شده‌اند، آنها میدانند هیئت آنها را در برابر کمیسیون یک تروریست و پلیس قدیمی دولت باتیستا هدایت میکند. بعد شولتس ناسانی به بسیاری از سفارتهای آمریکائی فرستاد تا توضیح بدهد که Valladares (رئیس هیئت) پلیس نبوده و هرگز بخاطر تروریسم محکوم نشده و این گفته‌ها دروغ است. ما یک کمی از نامه شولتس را داریم. پانزده دروغ آنهاست از طرف وزارت امور خارجه در مورد Valladares.

س: آیا شما در چارچوب قراردادهای تسلیحاتی آمریکا و شوروی به ایالات متحده اجازه خواهید داد که از مراکز نظامی شما بازدید و آنها را بررسی کند؟

ج: کدام مراکز (پایگاه) س: که اینجا بیایند و پایگاههای موشکی را بررسی کنند؟

ج: خیر، اگر ایالات متحده بما اجازه بررسی در آمریکا را بدهد ما به آنها اجازه چنین کاری را خواهیم داد، یک حق یکطرفه برای آمریکا آنهاست جهت بررسی، پذیرش آن برای ما غیرممکن است.

س: ما خیلی چیزها در مورد اینکه ایالات متحده تلاش دارد بر اساسی خواستهای روابطش را با گویا بهبود بخشد، میدانیم. شما در این رابطه چه خواستهائی دارید؟

س: شما میدانید که گویاچف تحولاتی را در شوروی پدید آورده مثل کلاسونسوت، یک جامعه بازتر و... این تحولات چه تاثیری در گویا داشته است؟

ج: شوروی کشور بزرگی است و همه جا تاثیرگذار است، در اروپا و در ایالات متحده تاثیر گذاشته است و همینطور در جهان سوم و سایر کشورهای سوسیالیستی و گویا ۱۰۰۰۰۰۰ اما ما کشوری هستیم که خودمان انقلاب کردیم و کسی این انقلاب را برای ما انجام نداد، ما خود این انقلاب را برپا داشتیم و در آن هنگام حتی با یک نفر از اتحاد شوروی آشنائی نداشتیم، ما همیشه دیدی مستقل نسبت به مسائل داشتیم و سیاستمان این بود که از تجارب کشورهای دیگر و انقلابات آنها سود جوئیم، اما ما کسی را در مورد اشتباهات خودمان سرزنش نمی کنیم، اشتباهات ما متعلق به خودمان هست همانطور که اشتباهات شوروی در رابطه با خود آنها طرح است. همه کشورهای انقلابی اشتباهاتی داشتند و خود آنها باید به آنها پاسخ بدهند. ما برای تمامی احزاب انقلابی و تمامی احزاب مارکسیست - لنینیست احترام قائلیم.

چینی ها کارهای زیادی در طی چند سال انجام دادند و یک روز تصمیم گرفتند سیاست های تازه‌ای اتخاذ و دنبال کنند و گام در راه تحولات تازه‌ای بگذارند، چرا که آنها اشتباهاتی مرتکب شده بودند. ما شاهد اقدامات آنها بودیم و برای آنها هم احترام قائل بودیم اما این به این معنا نبود که ما فوراً سیاست های آنها را دنبال کنیم. چنین امری در مورد اتحاد شوروی هم صادق است. ما حق نداشتیم خطاهای آنان را انجام دهیم و حالا که تصمیم گرفته شده به اشتباهات پاسخ داده شود بلیلی ندارد ما هم در حال حاضر اقدامات آنها را دنبال و یا تکرار کنیم.

س: میخواهم در مورد نکته دیگری صحبت کنم، در مورد اسناد حقوق بشر در گویا، وزارت امور خارجه ایالات متحده طرح کرده است که سندی در دست دارد که دگرگونی هائی رخ خواهد داد، اما هنوز کارهای زیادی باید انجام شود، شما در حال حاضر برخی از سازمان های حقوق بشر اینجا را در گویا تحمل میکنید، ولی آنها میخواهند قانونی شوند، چرا آنها را قانونی اعلام نمی کنید؟

ج: چیزی که در اینجا وجود دارد یک گروه کوچک ضد انقلابیون و زندانیان ضدانقلابی سابق هستند که از طرف اداره مربوطه در ایالات متحده دستور میکنند، اینجا ما هیچ سازمان حقوق بشری نداریم.

س: چرا، یک سازمان حقوق بشر گویائی وجود دارد. ج: یک سازمان نروئگویان و مقربان و اتهام زنان، سازمانی است که در اینجا وجود دارد و اینها هیچوقت قانونی نخواهند بود، این یک خوشبختی است، آنها شتی نروئگو هستند که در خدمت ایالات متحده می باشند، سازمانی که شما میکوشید چنین سازمانی است و در این رابطه نیز هیچ تغییری نداده نخواهد شد، ما به هرگفتائی از سوی وزارت امور خارجه آمریکا در مورد تغییرات اینجا خوش آمد میگوئیم! اما اینجا تغییریاتی که منظور آنهاست رخ نخواهد داد.

س: در مورد حقوق بشر هیچگونه تغییری انجام نکرده است؟

ج: در اینجا احترام کامل به حقوق هر فرد گویائی وجود دارد، در هیچ کشوری چون گویا حقوق بشر رعایت نمی شود، تبلیغات در مورد خشونت و بدرفتاری در اینجا دروغ محض است که دستگاههای تبلیغاتی آمریکا و غرب براه انداخته‌اند. با آدمهایی که شما آنها را امروز

سیاست شایعات موجود را از بین برده و موانع را برطرف ساخته است. در جاهائی که تابحال تنها گامهای کوچک و موقتی ای برداشته شده بود اکنون چشم‌اندازهای وسیعی گشوده شده است.

س: پس شما موافق تشنج زندانی در سرتاسر جهان هستید؟

ج: کاملاً، من موافقم که سیاست "دئانت" در عرصه بین المللی دنبال شود و برای مسائل منطقه‌ای راهحل هائی پیدا شود. ما با این امر موافق هستیم اما همه چیز بستگی دارد که این امر چگونه درک و فهمیده میشود. اگر درک ایالات متحده این است که "دئانت" یعنی صلح بین ایالات متحده و شوروی و یا ایالات متحده و چین، اما جنگ بر علیه کشورهای کوچک بنابراین نباید انتظار برطرف کردن مسائل منطقه‌ای را داشت. اگر آمریکا دنبال این است که دولت‌های انقلابی، همچون نیکاراگوئه را نابود کند، گورخوانده، مردم نیکاراگوئه هرگز تسلیم نمی شوند، همینطور در مورد آنگولا، می فهمید؟ یعنی برخورد یک طرف با مساله کافی نیست، طرف مقابل هم هست و برخورد او هم مهم است، عملکرد شوروی و کشورهای سوسیالیستی فقط کافی نیست، عملکرد ایالات متحده هم شرط است.

آیا این عملکرد اپورتونیستی است و ایالات متحده قصد دارد با قوت‌های سوسیالیستی صلح کند اما بر علیه کشورهای کوچک سوسیالیستی بجنگد؟ و جنگ را بر علیه گویا، نیکاراگوئه و آنگولا ادامه بدهد؟ تردیدی نیست ما مبارزه را ادامه میدهم و تا آنجائی که ضرورت باشد در برابرشان می ایستیم.

س: آیا از اینکه ایالات متحده با شوروی روابط بهتری برقرار کرده است، شما این احساس که بیرون گود هستید (شما نقش و سهمی ندارید) را نمی کنید؟

ج: نه، اصلاً، ما خیلی خوشحالیم. هرچیز که به نفع صلح بین المللی است، غیرمستقیم به نفع ما نیز هست. هر چیزی که به نفع شوروی و پیشرفت اردوگاه سوسیالیستی است غیرمستقیم به نفع ماست، این امر جدا از حس مسئولیت ما نسبت به مسائل کشورهای سوسیالیستی، با در نظر گرفتن خطر یک جنگ هسته‌ای که موجود بوده و هنوز هم موجود است، مطرح است. جدا از همه اینها من ایمان دارم که از هر لحاظ سیاست صلح شوروی به سود بشریت است.

س: ولی وقتی شماروندل ریگان را می بینید...

ج: اگر هزینه‌ای که شوروی و کشورهای سوسیالیستی در حال حاضر صرف تسلیحات میکنند، میتوانست ذخیره شود، آنها میتوانستند در راه رشد و همکاری با کشورهای جهان سوم بکار بگیرند و از این طریق همه کشورهای جهان سوم سود می بردند. اگر در این راه رشد تکنیکی شوروی سریع پیش برود در نتیجه کشورهای مثل ما که با شوروی رابطه و همکاری خوبی دارند، سود میبرند و این امر بطور کلی به نفع ما و جهان است. اما من به تفکر حاضر دولت ایالات متحده اعتماد ندارم، من به آنها اعتماد ندارم من به حد فرصت طلبی نروئ دولت ایالات متحده شک دارم و فکر میکنم و نیز میتوانم امکان داشته باشد که سیاست آنها صلح با قدرتهای بزرگ باشد و جنگ بر علیه کشورهای مترقی و سوسیالیستی در جهان اکنون گزارشی وجود دارد که طبق آن گروهی از مشاوران پنتاگون برای رشد و تکامل تسلیحات معمولی (Conventional) و تشنج های محدود و خفیف برای پیشبرد جنگهای کثیف بر علیه دولت‌های پیشرو دست بکارند.

آلمان دمکراتیک

اخبار خارجی

بلژیک - بروکسل

آرژانتین

یک گروه چریکی جب بنام "ارتش انقلابی خلق" به یک پادگان در نزدیکی بوینس آیرس با یخت آرژانتین حمله نمود. در زدو خوردی که بین چریکها و ارتشیان صورت گرفت، ۶۲ نفر از طرفین کشته شده و تعداد بسیاری زخمی شدند.

شوروی

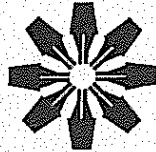
زلزله شدیدی مناطق روستایی جنوب شهر دوشنبه با یخت جمهوری شوروی تا جیکستان را لرزاند. این زلزله که موجب بروز سیلاب نیز شد، باره ای از روستاها را دفن کرده و به علت ارتفاع زیاد روستا که بیش از ۱۰ متر می باشد، عملیات نجات را با دشواری روبرو نموده است. بر طبق ارزیابی های اولیه حداقل ۶۰۰ نفر در جریان این زلزله کشته شده اند.

اریک هونکر صدراعظم آلمان دمکراتیک و رهبر حزب سوسیالیست متحده آلمان کورد رطی ملاقات خود با اینگوار کارلسن نخست وزیر سوئد اعلام نمود که جمهوری دموکراتیک آلمان در نظر دارد تعداد سربازان ارتش خود را به ۱۰۰۰۰ نفر کاهش داده و نیز از بودجه نظامی به مقدار ۱۰٪ بکاهد. این اقدام هونکر در آلمان فدرال بسیار استقبال احزاب آبوزیسون و ناسیونالیستی راست - لیبرال حکومت کهل روبرو شده است. فشار افکار عمومی و آبوزیسون جنبدی است که دولت آلمان فدرال را به اتخاذ مواضعی متفاوت با متنی گذشته در قبایل رودروئی دویلوک سیاسی و نظامی در اروپا مجبور کرده است. هم اکنون نیز باره ای از مقدمات غیر رسمی و حتی مسئولین نظامی این کشور به طور خصوصی ضرورت عملیاتی بودن کاهش قوای نظامی آلمان فدرال را مورد توجه و با حساسیت قرار می دهند.

اجلاس وزرای خارجه کشورهای عضو سازمان مشترک اروپا تصمیم گرفت که هیئت رئیسه سه نفری این اجلاس با یا سرعفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین در مادرید رسماً دیدار کند. این اقدام گام دیگری در جهت برسمیت شناختن عملی سازمان آزادی بخش فلسطین و تحت فشار قرار دادن اسرائیل تلقی می شود.

لبنان

به دنبال هفته های متوالی درگیری خونین بین حزب الله و مل که طی آن دهها نفر از افراد دو گروه شیعه، فوق که یکی طرفدار ایران و دیگری طرفدار سوریه است، کشته شدند با در میانسی وزرای خارجه ایران و سوریه، قرار داد آتش بسی امضاء شد که قرار است هر دو طرف آنها را رعایت کنند. تاکنون شواقات مشا به بین دو گروه ارتجاعی و ضد فلسطینی فوق به جانی نرسیده و طرفین کمی پس از حصول توافق مجدداً به نبرد بسیار یکدیگر پرداخته اند.



کانون نویسندگان ایران (در تبعید)

Association des Ecrivains Iraniens «en exil»

هم میهنان!

بمرد انسان دوست جهان!

نهادهای سازمان های انسانگرای همه کشورها!

سازمان ملل متحد!

سازمان مفروض بین المللی!

توضیح هیئت تحریریه

کانون نویسندگان ایران در تبعید، علامه ای در اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی منتشر کرده است. ما ضمن آرزوی موفقیت برای نویسندگان و همه اهل فرهنگ ایرانی در خارج از کشور، امیدواریم که کانون نویسندگان ایران در تبعید با یکگیری اعتراض نسبت به قتل عام زندانیان سیاسی، سهم شایسته خود را در این مورد دانماید. عن اعلامه کانون به نظر خوانندگان می رسد.

مصاحبه فیصل کا سترو... از صفحه ۱۳

ج: به اعتقاد من، ایالات متحده باید کوتاه بیاید و بعنوان یک کشور مستقل و آزاد زندگی کند، باید موجودیت کشورهای سوسیالیستی را بپذیرد و سعی نکند شرایطی را به ما تحمیل کند، چرا که در این حالت هرگز روابط ما و ایالات متحده بهبود نخواهد یافت.

س: آیا شما هرگز دست به تحولاتی نمی زنید که روابط شما با آمریکا را بهبود بخشد؟

ج: چگونه تحولاتی منظور شماست؟

س: مساله وابستگی شما، وابستگی به اتحاد شوروی.

ج: خیر، ما روابط خودمان را به هیچ دلیلی با اتحاد شوروی قربانی نخواهیم کرد. چون این ناسپاسی، فرصت طلبی و خیلی واضح، حماقت است. روابط بین ایالات متحده و کوبا هرگز در سطح روابط بین کوبا و شوروی نخواهد رسید، چرا که روابط ما با شوروی بر پایه اشائی از اصول و همبستگی استوار است و ما هرگز در چنین سطحی با یک کشور سرمایه داری انتظار برقراری روابط نداریم، بنابراین ما اینکار را نمی کنیم، چرا که ناسپاسی و حماقت بوده و هست.

خلاصه شده از

کوشش های کشورگشایانه جمهوری اسلامی ایران با پایان یافتن جنگ خاندان برانداز ایران و عراق به ناکامی انجامیده است و نظام فرمانروا بر ایران اکنون می کوشد تا، با زهر چشم گرفتن از مردم، پایه های لرزان حاکمیت خویش را از دوزخ استوار کند. استوار کردن این پایه ها، اما، به آب و گل نیازمند است که گویا باید از خون و استخوان زندانیان سیاسی فراهم آید. جمهوری اسلامی نیک می داند که تا واپسین زندانی سیاسی در سیاهچال های دوزخی این نظام نفس می کشد، پایه های این فرمانروایی قرون وسطایی همچنان در رهگذار طرزان خواهد بود. طبیعی است، از همین رو، که رئیس دیوان عالی کشور و رئیس شورای عالی قضایی، بر سکری رسی «ناز جنم»، اعدام یکجا و یکباره همه زندانیان سیاسی را از پیشگاه «عدالت اسلامی» تاختا کند:

«جرم معلوم، کفرش معلوم... چرا اعدامشان نمی کنید؟!»

بدینگونه است که در ماه های گذشته کمتر روزی بوده است که در آن، در پیوند با کشتارهای گروهی زندانیان سیاسی، از ایران خبرهای شومی به ما نرسد.

اکنون بیش از پنج ماه است که خانواده های زندانیان سیاسی از دیدار عزیزان زندانی خویش محرومند و می دانیم که در زندان های اوین، کوهردشت، رشت، مشهد، اسفهان، و در چندین و چند زندان با نام و بی نام دیگر، زندانیان سیاسی بسیاری گروهی گروهی اعدام یا سر به نیست شده اند؛ و بیم آن می رود که اگر درهای زندان ها به روی خانواده های زندانیان سیاسی دگر بار گشوده آید، بر مگان آشکار شود که جمهوری اسلامی، چنان که سخنگویانش بارها به ملنر و ملنر ادعا کرده اند: «اصلاً زندانی سیاسی ندارد!»

گردانندگان جمهوری اسلامی با فراغت یابتن از جنگ چنایکارانه ایران و عراق کشتار هراس انگیز دیگری در پیش گرفته اند و اگر آنان که در پیشگیری از این جنایت بزرگ می توانست دست به کاری بزنند، هم اکنون دست به کاری نزنند، جان های بس بیشتری تبا خواهد شد.

کانون نویسندگان ایران، به نام وجدان انسانی، از همه مردمان آزاده ایران و از همه سازمان ها و نهادهای انسانگرای همه کشورها ستاد دارد که از هر راهی که می توانند، و با همه توان خود، بکوشند تا نگذارند فرمانروایان کثرتی ایران این کشتار را همچنان ادامه دهند.

کانون نویسندگان ایران بریزه از سازمان ملل متحد و سازمان مفروض بین المللی چشم دارد که، در پیگیری اعلامیه حقوق بشر، گردانندگان جمهوری اسلامی را در پیوند با سرکشت زندانیان سیاسی ایران به پرسش گیرند و کشتار آنان را محکوم کنند.

بازدید کردن نمایندگان رسمی هر یک از این دو سازمان از زندان های ایران می تواند ککی باشد به نجات بخشیدن جان هزاران زندانی سیاسی باز مانده که هم اکنون، در هر لحظه، در خطر سپرده شدن به چرخه های اعدامند.

هیئت دبیران

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)

کمک های مالی

کمک مالی	گند
۵۰ مارک	عضنفر
" ۵۰	س - س
" ۱۰۰	سپیده
" ۵۰	آ
" ۵۰	کاظم
" ۳۰	مهدخت
" ۱۰۰	ظفر
" ۱۰۰	جهان
" ۴۰	غلام ۱۱
" ۴۰	ف - ر
" ۵۰	قادر
" ۶۰	سیامک
" ۱۴۰	کژال
" ۲۰	ب
" ۱۵۰	پروانه
	هدیه زنا شکنند
۲۲۰ کرون	محمود فلاح
" ۶۰۰	داراب
" ۴۴۰	هما یون
" ۵۵۰	مازیار
" ۷۲۰	ز
" ۵۳۰	خوشدا سن
" ۸۲۰	عبدالله
" ۶۳۰	عادل
" ۱۰۰	فدایشان
" ۴۰۰	مراد
۵۰ مارک	زابینه
۵۰ مارک	غ - ر
" ۱۰۰	س - س
" ۱۰۰	س - ه
" ۱۰۰	ظفر
" ۵۰	شماره ۱۰
" ۵۰	ک - م
" ۶۰	س - ک
" ۴۰	ف - ر
" ۵۰	ق - د
۱۵۰ دلار	علی آلابا ما
" ۱۶۰	آرش نیویورک
۲۳۰ کرون	آراز
" ۲۲۰	مازیار
" ۵۸۰	عبدالله
" ۲۲۰	رحمت
" ۴۳۰	داراب
" ۲۲۰	هما یون
" ۳۳۰	عادل
" ۲۰۰	فلاح

دعوت تشکیل های دمکراتیک

به دعوت ۱۹ تشکیل دمکراتیک ایرانیان مقیم آلمان فدرال در روز ۱۱ فوریه ۸۹ مطابق با ۲۲ بهمن ۶۷ یک راهپیمایی اعتراضی و مراسم بزرگداشت زندانیان سیاسی شهید در شهر فرانکفورت برگزار می شود. ما ضمن حمایت از این حرکت اطلاعیه مربوط به این مراسم را عینا درج می کنیم.

در دهمین سال حاکمیت



Paulsplatz Frankfurt

DGB-Haus Frankfurt

نشریات سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) را مشترک شوید!

برای اشتراک نشریات سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) فرم زیر را پر کرده همراه با معادل هزینه اشتراک، رسید بانکی پرداخت ویا وجه نقد به آدرس زیر ارسال نمائید.

نام نشریه	مدت اشتراک	اروپا	آمریکا و سایر نقاط با پست هواپیما
راه کارگر	<input type="checkbox"/> شش ماه	۲۵ مارک	۳۱ مارک
ارگان سیاسی سازمان (ماهانه)	<input type="checkbox"/> یکسال	۵۰ " "	۶۲ " "
راه کارگر بین المللی	<input type="checkbox"/> شش ماه	۸ مارک	۱۰ مارک
راه کارگر بین المللی (ماهانه)	<input type="checkbox"/> یکسال	۱۶ " "	۲۰ " "
پیام کارگر	<input type="checkbox"/> شش ماه	۲۸ مارک	۳۳ مارک
ارگان کمیته خراج از کشور (۱۵ روزه)	<input type="checkbox"/> یکسال	۵۶ " "	۶۶ " "

آدرس:

شماره حساب بانکی:

Postfach 650226
1BERLIN 65

H: Soltanzadeh
Deutsche Bank Berlin
Bankleitzahl - 10070000 -
Konto-Nr: 5208533

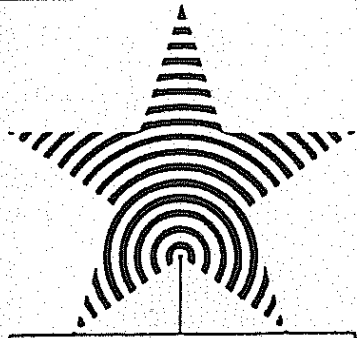
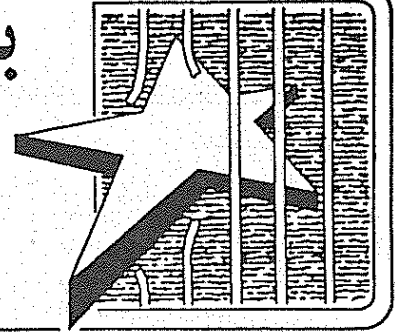
نام و نشانی کامل مشترک:
لطفاً تغییر نشانی تا ن را اطلاع دهید!



برای آزادی

در صفحات ۷، ۸ و ۹

زندانیان سیاسی متحداً مبارزه کنیم!



صدای کارگر

راه پوی سازمان کلنگران انقلابی ایران در ده کارگر

★ برنامه صدای کارگر هر شب ساعت ۹ روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متر برابری ۴ مگا هر تری پخش می گردد.

★ این برنامه ساعت ۱/۶ صبح روز بعد مجدداً پخش می شود.

★ جمعه ها برنامه ویژه پخش می گردد.

★ برنامه صدای کارگر ویژه کردستان هر روز ساعت ۴ بعد از ظهر به زبانهای کردی و فارسی پخش می گردد.

آلمان فدرال

دعوت تشکل های دمکراتیک برای اعتراض علیه اعدام زندانیان سیاسی ایران

در صفحه ۱۵

به یاد ارانی



چهاردهم بهمن مصافحات است تا سالروز شهادت دکتر تقی ارانی، دانشمند انقلابی و کمونیست برنور، یکی از برجسته ترین چهره های انقلابی تاریخ معاصر ایران، ارانی در طول زندگی کوتاه و پربار خود در عرصه ترویج اندیشه علمی مارکسیستی و جد در با بداری و مبارزه مسئولانه انقلابی، نمونه والاکی از صارت فکری و عملی بود. او با نشر مجله "دنیای" در سال ۱۳۱۱ شمسی، در شرایط سرکوب سیاسی و رضا شاه دست به اقدامی متهورانه زد. این مجله در تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی

با کمینترین نیز تر ادا شد، با توجه به رهنمودهای کمینترین در مسیر سازماندهی هسته های مخفی گام برداشت. همین هسته ها بودند که توانستند چندین اعتماد با دانشجویی را سازماندهی کنند. هشتم ارتجاع سرانجام در سال ۱۳۱۴ ساعت توقیف "دنیای" گردید، ولی هسته های ایجاد شده کار خویش را ادامه دادند و در همین زمان خود ارانی بطور مخفی در کنگره هفتم کمینترین شرکت نمود.

در اوایل سال ۱۳۱۵ ارانی دستگیر میشود. در زندان بهمان یک نفرمان دلاور بر اعتقادات خود پای میفشرد، وسختی ها براراده شکست ناپذیرش نتوانست کوچکترین خللی وارد کند. در آبان ۱۳۱۷، اندیشه شور و اراده پرتوان او را به پشت میز محاکمه کشانیدند. آتیم در شرایطی که فاشیسم در عرصه جهان پر جنون می ناخت و در ایران دیو استبداد نفس ها را در سینه حبس کرده بود، دکتر ارانی در دفاعیه شش ساعته خویش به دفاع از کارگران و زحمتکشان پرداخته و با انشاء جنایات دستگاه حاکمه به این نتیجه تاریخی رسید که "تنها آن قانونی مقدس است که حافظ منافع توده ها باشد." ارتجاع بنا بر "قانون سیاه" خود، او را به اشد مجازات یعنی ۱۰ سال حبس مجرد محکوم کرد، ولی این تازه آغاز کار بود. نبرد در زندان ادا می یافت و رژیم در مانده ز در هم شکستن اراده این فرزانه انقلابی سرانجام در ۱۴ بهمن ۱۳۱۸ یعنی درسی و هشتمین سال زندگیش، با تزریق آمیول هوا به حیاطش خاتمه داد. مرگ این چهره تابناک برای جنبش کارگری و کمونیستی



ایران نقش با ارزشی را در بیداری افکار ایفا کرد. استقبال روشنگران از این مجله محسوس بود که در اندک مدتی گروه بزرگی دور آن گرد آمدند. دکتر ارانی در این زمان که در ارتباط

آدرس پیام کارگر

POSTFACH
650226
1-BERLIN 65

ALIZADI
B.P. 195
75564 PARIS
-CEDEX 12
FRANCE

ایران فایده بزرگی بود. اما حق با او بود که می گفت "رسالت من نه از آن گونه است که مرگ نقطه پایانش باشد، چرا که مرگ در راه خلق خود کمال رسالت است".

و اینک که کمونیستها در نبرد سترگ سرخ خود، در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی، مرگ را پذیرا می گردند و به چهره فقها تف می کنند! از این فرزندان مبارز زحمتکشان، الهام می گیرند.

برای رزمندگان راه آزادی و سوسیالیسم یا دشمنی و ناسمجایان است!

